

## نهمین کنگره سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران برگزار شد

گزارش کنگره

قطعنامه در مورد فدرالیسم در

ایران

قطعنامه سیاسی کنگره نهم

قرارها

پیام کنگره خطاب به مردم ایران

پیام‌های احزاب و سازمان‌ها به

کنگره

صفحات ۱۶ تا ۵

## علیه فراموشی!

به یاد جانباختگان کشتار ۱۳۶۷ در زندان‌های  
جمهوری اسلامی



صفحه ۲

یا ماجراجوئی، تشدید تحریم‌ها و احتمال جنگ یا  
مذاکره بی قید و شرط برای آشتی و تشنج زدائی

صفحه ۳

نادر عماره

قانون اعدام توهین به شعور و شرف انسانی است

صفحه ۴

ناهد جعفرپور

ما می‌توانیم متحد عمل کنیم

صفحه ۱۷

محمد اعظمی

پیرامون فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی

صفحه ۲۰

اعلامیه ۹ مزب و سازمان

**Fête de l'Humanité**  
10\*11\*12  
sept. 2010

غرفه مشترک ایرانی در جشن اومانیته ۲۰۱۰

محل همبستگی با  
مبارزات مردم ایران برای آزادی، عدالت  
و صلح و دوستی با تمامی کشورهای جهان

در حمایت از مبارزه  
برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدام و سنگسار

غرفه ای در جشن و سرور «دهکده جهانی» پارک «کورتوف»

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
سوراک موقت- سوسیالیست های حب ایران

آدرس : Parc départemental de la Courneuve در حومه پاریس  
آمن به محل یا وسایل نقلیه عمومی :  
RER B Le Bourget puis navette RATP  
M<sup>o</sup> Ligne 7 et tramway 11, arrêt La Courneuve 8-mai-1945 puis navette RATP.

## علیه فراموشی!

### به یاد جانبختگان کشتار ۱۳۶۷ در زندانهای جمهوری اسلامی

در تابستان سال ۱۳۶۷ آیت اله خمینی رهبر جمهوری اسلامی، در پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق، پس از نوشیدن جام زهر و به بهانه عملیات ماجراجویانه "فروغ جاویدان"، با شیوه ای ددمنشانه، فرمان به قتل عام زندانیان سیاسی داد. با صدور این حکم جنایتکارانه، مجریان تبه کار حکومت، جنون آسا دست به کار شدند و در کمتر از دو ماه، سیلی از خون به راه انداختند و چندین هزار تن از زندانیان سیاسی را، که عموماً در بیدادگاههای همین رژیم به حبس محکوم شده بودند، به کام مرگ کشاندند. جنون خونریزی چنان ابعادی به خود گرفت که حکومت برای حمل قربانیان به گورستان، با کمبود امکانات مواجه گشت. راز این کشتار، در جریان خاکسپاری آنان در گورهای دسته جمعی خاوران، برای خانواده جانبختگان بر ملا گشت. و از این طریق خیر این فاجعه، منتشر شد. این خبر در داخل کشور توسط حکومت مخفی نگه داشته شد و آنجا هم که به همت خانواده جانبختگان، فعالان سیاسی و مدنی و رسانه های خارجی انعکاسی یافت، تیغ سرکوب و ارباب حکومت، مانع شعله ور شدن اعتراض و کاستن از دامنه کشتارها شد. در خارج کشور اما، خبر فاجعه چون شمع در تاریکی تا حدی منعکس شد، هر چند که اعتراضات اپوزیسیون، در قیاس با ابعاد فاجعه پراکنده و کم دامنه بود.

جمهوری اسلامی از همان نخستین روزهای به قدرت رسیدنش تا کنون کم جنایت نکرده است. اما کشتار زندانیان در زندان ها با دیگر جنایات و حتی با کشتارهای سال شصت، که معترضان را پس از دستگیری بدون محاکمه به جوخه مرگ می سپردند، متفاوت است. قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ چنان زشت و وحشیانه است که سردمداران اصلی حکومت، سخنی از آن به میان نیاورده اند. گوئی ابعاد فاجعه و عمق این جنایت به حدیست که مجریان را نیز به انکار فاجعه وا داشته است. حتی در

دوره هشت ساله اصلاحات، که فضای سیاسی تا حدی باز شد و بحث ها و جدل ها به بسیاری از ناگفته ها هم کشیده شد، این موضوع همچنان تابو ماند و از پرداختن به آن، دوری گزیده شد. تنها کسی که از میان حکومتمتگران صدای اعتراض خود را بلند کرد آیت اله منتظری بود. او در همان روزهای نخست شروع کشتار، به بهای از دست دادن تمام امتیازات خود، شجاعانه طی نامه ای به خمینی به این کشتار، اعتراض نمود و صف خود را تا هنگام مرگ از جانبان حاکم جدا کرد و یادگاری نیک از خود به جای گذاشت.

از تابستان سال ۱۳۶۷ تا به امروز مبارزه خانواده جانبختگان، زیر تیغ سرکوب حکومت با دشواری های بسیار ادامه داشته است. در طی این ۲۲ سال، خانواده ها از هر امکان ناچیزی استفاده کرده اند تا صدای اعتراضشان را به گوش مردم ایران و سراسر جهان برسانند. همچنین در این مدت فعالان سیاسی و حقوق بشری در داخل و خارج از ایران با بزرگداشت خاطره جانبختگان، نگذاشته اند این جنایت هولناک به فراموشی سپرده شود. در نتیجه این مبارزات، امروز توجه فزاینده نهادها و سازمانهای بین المللی به جنایاتی که در زندانهای ایران در سال ۱۳۶۷ رخ داده، جلب شده است و امکان اثر بخشی مبارزات خانواده ها و معترضان به این قتل عام را بیشتر کرده است. این مبارزات مانع از آن شده است که رژیم جمهوری اسلامی بتواند به هدف خود مبنی بر بستن پرونده قتل عام ۱۳۶۷ دست یابد. جمهوری اسلامی طی این سال ها هر چه در توان داشته به کار بسته است تا این جنایت پنهان بماند. نگرانی و ترس از بر ملا شدن بیش از پیش حقایق، حکومت جمهوری اسلامی را به این خیال باطل کشانده است تا با تخریب خاوران، اثر انگشت خود را در این جنایت پاک نماید. از اینروست که در دو ساله اخیر توجه به خاوران را دو چندان کرده است. هرازگاهی به بهانه درختکاری، خاک خاوران را شخم می کند. از رفتن خانواده جانبختگان به خاوران جلوگیری می نماید. مانع گرفتن مراسم بزرگداشت برای آنان می شود. بستگان جانبختگان را احضار و تهدید و دستگیر می کند و ... اما به رغم این همه خشونت و سرکوب، پرونده این فاجعه باز مانده است و بدون شک تا محاکمه علنی تمامی دست اندرکاران این جنایت در یک دادگاه صالح، باز خواهد ماند.

جنبش اعتراضی و ضد استبدادی مردم ایران در طی ۱۴ ماهه اخیر بسیاری از مسائل را دستخوش تغییر نموده است. در نتیجه سر برآوردن این جنبش است که برای اولین بار برخی از حکومتیان در باره کشتار

۱۳۶۷ لب به سخن گشوده اند و وادار شده اند سکوت خود را بشکنند. زمره ماجرای آن جنایت بزرگ، بر زبان مسئولان سابق جاری شده و دارد به گوش ها می رسد. شکستن سکوت برای دستیابی به حقیقت این کشتار، بسیار اهمیت دارد. برای شناخت ابعاد فاجعه و درس آموزی از آن و با هدف جلوگیری از تکرار آن، در درجه نخست اهمیت دارد حقیقت به تمامی، روشن شود. هر نوری که به این تاریکخانه افشانده شود، گامی ما را به هدف نزدیک می کند. کشتار ۱۳۶۷ دمل چرکینی است که باید با یک نیشتر سرباز کند. پرونده ایست که باید بالاخره زمانی گشوده شود. این پرونده را نباید تنها به نام خمینی ثبت نمود. این پرونده، پرونده نظامی است که دیروز آن کشتارها را به راه انداخت، امروز هم در کهریزک جنایت می کند. نظامی که در آن، نه تنها این جنایات مطرود نیست، سخن گفتن در باره آن جرمی نابخشودنی است. نظامی که به دست اندرکاران و مجریان این جنایت و کشتار ارج نهاده، ارتقا مقام می دهد. نظامی که به هیچکس رحم نمی کند. در داخل کشور تیغ را بر گردن مردم نهاده و جان آنان را در راه منافع خود قربانی می کند و در مناسبات با جهان، ماجراجویانه، هستی ملتی را در معرض تهدید و نیستی قرار داده است.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران ضمن گرامی داشت یاد همه مبارزان راه آزادی به ویژه رهبران، اعضا، فعالان و یاران و همراهانی از سازمان ما که در راه آزادی و عدالت در کشتار جمعی سال ۱۳۶۷ جان باختند، با خانواده و بستگان آنان ابراز همبستگی می نماید و بار دیگر بر پیمان دیرینه خود، برای پیگیری محاکمه دست اندرکاران اصلی این جنایت پای می فشارد. ما معتقدیم که یکی از معیارهای دفاع از آزادی و دموکراسی و حقوق بشر در ایران، محکوم کردن قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ و پشتیبانی از مطالبات قانونی خانواده های آنان است.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران بر این باور است که آنچه در تابستان ۱۳۶۷ در زندان های ایران رخ داد، جنایتی است که در عرف مراجع و نهادهای مدافع حقوق بشر و نیز حقوق بین الملل، جنایت علیه بشریت نام گذاری شده است. از اینرو هر اقدامی که به روشن کردن ابعاد این فاجعه کمک کند، مثبت دانسته و از هر گامی که در این جهت و برای سپردن جنایتکاران به دست عدالت برداشته شود، پشتیبانی می کند.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران  
شهریور ۱۳۸۹

## یا ماجراجوئی، تشدید تحریم ها و احتمال جنگ یا مذاکره بی قید و شرط برای آشتی و تشنج زدائی

نادر عصاره

بازی های دیگر زیر نظر «رهبر» بر باد رفت. اکنون، طی همان سخنرانی ۲۷ مرداد ۱۳۸۹، خامنه ای ادعا می کند که گویا امریکا مذاکره ای را می خواهد که در آن موجودیت جمهوری اسلامی نفی می شود. حال آن که همه می فهمند که مذاکره بین دو طرف به معنای پذیرش موجودیت دو طرف مذاکره است.

موضوعی که با موضع هیچ یک از دو طرف تضاد در شرایط کنونی یکی نیست، راه حلی صلح جویانه و آشتی طلبانه است. در یک کلام نه سرپیچی از مصوبات شورای امنیت و تشدید تحریم ها و احتمال جنگ بلکه مذاکره بی قید و شرط برای آشتی و تشنج زدائی! جمهوری اسلامی، اگر قبول کند که دست از ماجراجوئی بردارد، امنیت خود را می خواهد و نمی تواند بدون تضمین کافی به پای مذاکره برود. طرف دیگر و بخصوص امریکا نیز خواستار دست کشیدن رژیم اسلامی از تلاش های مشکوک به دستیابی به سلاح هسته ای و تحریمات منطقه ای است. هدف مذاکره بی قید و شرط، آشتی و تشنج زدائی از راه اجرای مصوبات شورای امنیت در باره بحران هسته ای، با تعلیق غنی سازی، عدم دخالت های بحران ساز در مناقشات منطقه ای و تعلیق تحریم هاست. شرکت رژیم اسلامی در این گفتگوها و رفع تحریم ها، پذیرش موجودیت و امنیت آن را فراهم می کند، ضمن آن که سرنوشت این رژیم استبدادی به مبارزات مردم ایران بسته می شود. اما آیا می توان امید داشت که جمهوری اسلامی و یا طرف دیگر به این راه صلح آمیز یعنی مذاکره برسند یا بایست برای رسیدن به آن نیروهای صلح طلب دست به صف آرائی در سطح جامعه و در میان افکار عمومی داخل و خارج از کشور بزنند؟ سیاست صلح طلبانه نمی تواند ضرورت مبارزه نیروهای صلح طلب را مهم و مبهم نداند.

نقش جنبش سبز و رهبران نمادین آن در این صف آرائی مهم و تعیین کننده است. متأسفانه بخش مهمی از جنبش سبز هنوز خود را درگیر سیاستی متفاوت با سیاست خارجی جمهوری اسلامی بطور عام و بویژه در باره تشدید تحریم ها و احتمال مداخله نظامی نکرده است. در بیانیه های موسوی، رهنورد، و کروبی نیز هنوز اشاره مستقیمی به سیاستی متفاوت از سیاست جمهوری اسلامی در این باره نشده است. موسوی بدنبال قطعنامه ۱۹۲۹، طی یادداشتی پیرامون این قطعنامه در اساس در چهارچوب سیاست هسته ای رژیم حاکم ایستاد و نوشت: «حق استفاده صلح آمیز از تکنولوژی هسته ای از ما دریغ می گردد. بی تردید این یک

با بیانات رجز گونه «ولی فقیه»، آقای سید علی خامنه ای خامنه ای، و سپاه پاسداران، و تهدید کردن دولت های قدرتمند جهانی، زبان قلدری و جنگ و جنایت در مناسبات رژیم اسلامی با جهان به کار گرفته شد و دست دراز شده برای مذاکره و آشتی جوئی بازهم بعقب تر رانده شد. در یاسالار مایکل مولن، رییس ستاد مشترک ارتش آمریکا یکشنبه ۱۱ مرداد اعلام کرده بود: «طرح حمله نظامی به ایران آماده است.» سید علی خامنه ای در سخنرانی روز چهارشنبه ۲۷ مردادماه ۱۳۸۹ خود در ارتباط با این اظهارات مایکل مولن گفته است: «بعید است آنها این حماقت را انجام دهند، اما همه بدانند اگر این تهدید عملی شود میدان مقابله ملت ایران فقط منطقه ما نخواهد بود، بلکه این مقابله، میدان گسترده تری خواهد داشت.» البته از سخنان او ترس و وحشت و تمایل به مذاکره نیز برداشت شده است و مثل همیشه، این بار نیز، سیاست ولایتی - سپاهی حاکم بر سرنوشت ملت ایران، میهم، مردد و خطر آفرین است. بدنبال این گفته «رهبر»، طی اعلامیه ای سپاه پاسداران بیان کرده است که این سازمان نظامی می تواند «با بهره گیری از ظرفیت بسیج جهان اسلام منافع آنان (دشمنان) را در هر نقطه دلخواه مورد هدف قرار دهد.» آیا آقای خامنه ای و پاسداران نظامی - امنیتی نظام او به حمله به اسرائیل اشاره دارند یا سازماندهی اقدامات تروریستی در سراسر جهان را یادآوری می کنند؟ یکی از این تهدیدات را صدام حسین رئیس جمهور سرنگون شده و به دار اوخته عراق و دیگری را بن لادن و طالبان، طلبه های مرتجع و آدم کش ستمگر بر مردم افغانستان ادعا کرده و به عمل در آورده اند. عاقبت این رجز خوانی های پهلوان پنبه ای و سرنوشت آنان برای همه آشکار است. خامنه ای و پاسدارانش نیز به جایی فراتر از صدام حسین و بن لادن دست نخواهند یافت. اما صدمات و زیان های تحمیل جنگی دیگر به منطقه ما و بخصوص به ملت ما است که راهکاری برای رفع تهدید علیه خانه مشترک مان ایران می طلبد.

سید علی خامنه ای و پاسداران او تلاش دارند که شکست خود را در از دست دادن یک موقعیت بپوشانند که بعد از انتخاب اواما به ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، بوجود آمده بود. سیاست اواما در سال ۲۰۰۸ مذاکره بدون قید و شرط بود. اشتباهات سیاسی در ارزیابی از شرایط و فرصت سوزی های رژیم اسلامی تحت هدایت خامنه ای باعث از دست رفتن این موقعیت شده اند. این موقعیت با بازی های مسخره ای تحت عنوان مذاکره با اواما در مورد مدیریت جهان و مسخره

قطعنامه بر ضد ملت ماست. گرچه در کنار آن ما نمی توانیم از تاثیر سیاستهای ماجراجویانه و مغشوش چشم ببوشیم». بدیهی است که برانگیخته شدن سیاست جهانی بر علیه اقدامات مشکوک جمهوری اسلامی ناشی از شک به اهداف رژیم در ساختن سلاح اتمی است. و گر نه در حق ایران برای استفاده صلح آمیز از تکنولوژی هسته ای مانع غیر قابل عبوری وجود نداشته و ندارد. موسوی بدنبال این ارزیابی از قطعنامه و برای پیامدهای امنیتی آن نه موضعی مستقل از دوطرف بلکه در کنار جمهوری اسلامی و بدون تلاشی برای پاسخ به نگرانی های افکار عمومی و سیاست بین المللی، مقابل خطرات احتمالی آن موضع می گیرد و می نویسد: «می خواهیم آمادگی مردم را به عنوان مهمترین عامل بازدارندگی در مقابل خطرات احتمالی قرار دهیم». البته هر سیاستمداری حق دارد از اوضاع و احوال مختلف سیاسی بنفع مقاصد خود بهره گیرد. ممکن است موسوی نیز سعی کند تا از تهدید های موجود برای نرم کردن طرف سازش ناپذیر خود استفاده نماید. اما آن جا که خطر جنگ و مصالح صلحی در میان است و پهلوان پنبه هایی نظیر صدام و یا بن لادن بازیگران صحنه هستند، مسئولیت سیاسی اتخاذ موضعی مستقلانه و صلح طلبانه را می طلبد. موضع رهبران نمادین جنبش سبز مغایر این مطالبه و بیشتر در چهارچوب مواضع باند حاکم است. ایشان نه تنها برای حقوق و آزادی ها قانونی مردم، آنان را دعوت به «اجرای بدون تنازل قانون اساسی» می نمایند بلکه علاوه بر آن، آنان را دعوت به دفاع از راهبرد بحران ساز هسته ای باند حاکم حتی در شرایط تشدید تحریم ها و عواقب خطیر آن می نمایند. نه تنها احزاب ایرانی بایست به این موضع زیانمند اعتراض کنند بلکه احزاب و نیرو های مترقی خارجی حامی جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه مردم ایران، ضمن پشتیبانی، این کمبود را خاطر نشان ساخته اند. برای مثال، در چند ماه پیش، ژاک فت مسئول بخش بین المللی «حزب کمونیست فرانسه»، طی ارائه تحلیلی از شرایط بین المللی و معاهدات جهانی در مورد تسلیحات هسته ای، و با اعتراض به مواضع خطرناک رژیم اسلامی، ضمن پشتیبانی از جنبش سبز، خواستار موضع گیری صریح این جنبش در باره بحران هسته ای نامبرده شده است.

در شب همبستگی با ایران، که به همت شهردار مالاکف یکی از شهر های حومه پاریس برگزار شده بود، این سخنرانی انجام گرفت .

بموازات مبارزه علیه عوامل ایجاد شرایط خطیر کنونی برای کشور ایران، نگرانی بسیاری از آزادیخواهان از سکوت موسوی و کروبی در باره بحران هسته ای، نگرانی است که بایست با صدای هرچه رساتر اعلام شود. باید صدای مستقل و صلح طلبانه رسا شود: نه به سرپیچی از مصوبات شورای امنیت، تشدید تحریم ها و جنگ! آری به مذاکره بی قید و شرط برای آشتی و تشنج زدائی!

۲۰۱۰ - ۲۹ مرداد ۱۳۸۹

بنظر عفو بین الملل ایران قرار دارد که حداقل در سال ۲۰۰۹ بیش از ۳۸۸ نفر را اعدام نموده است و در سال ۲۰۱۰ این کشتار سیاسی روز به روز شدت یافته است. کشور عراق ۱۲۰ نفر و عربستان سعودی ۶۹ نفر و آمریکا ۵۲ نفر را بقتل رسانده است.

ایران و عربستان سعودی بسیاری از انسانهایی را که اعدام نموده اند هنوز به سن قانونی نرسیده بودند. از کشور های دیگری که حکم اعدام در آنها اجرا می گردد می توان از یمن، سودان، ویتنام، سوریه، و ژاپن نام برد. در تمامی این کشور ها بیشترین اعدام ها از میان مخالفین سیاسی صورت پذیرفته است و از اعدام مخالفین در جهت ترس و جو وحشت و خاموش نمودن مخالفین استفاده می شود.

در اروپا طبق گزارش عفو بین الملل هیچ اعدامی صورت نپذیرفته است. آخرین اعدام ها در آلمان غربی ۱۹۴۹ بود و در آلمان شرقی ۱۹۸۱ در روسیه در ماه مارس دو نفر به جرم قتل بدار آویخته شدند.

در مجموع به اعتقاد عفو بین الملل کارزارهای ضد قانون اعدام در سرتاسر جهان در حال گسترش می باشند. در حال حاضر در ۱۳۹ کشور جهان قانون اعدام وجود ندارد. در کشور آفریقا تا کنون چهار کشور قانون اعدام را لغو نموده اند. کشورهایی چون اندونزی و پاکستان و افغانستان هم سال ها بود که قانون اعدام را رد نموده بودند. اما در این کشور ها با وجود اینکه اعدام وجود ندارد اما قصاص بر اسلامی و گرفتن جان انسانها بنام قصاص بر جای خود باقی است.

در حال حاضر در سرتاسر جهان بیش از ۱۷۰۰۰ انسان در سلول های مرگ در انتظار اعدام بسر می برند. کارزار و مبارزه تمامی انسانهای آزادیخواه در جهان می تواند جان این انسانها را از مرگ حتمی نجات دهد. وقت آن است که آزادیخواهان جهان و جامعه مترقی بین المللی خواهان تشکیل دادگاه های بین المللی برای محاکمه تمامی دولت هائی که دست به کشتار مخالفین سیاسی خود می زنند گردد و با دفاع از مبارزات این کشورها مسببین این قتل های سیاسی را افشاء و محکوم سازند.

باید با تمامی قوا فریاد بر آورد که مجازات اعدام مجازاتی ضدبشری است و باید فوراً و بدون قید و شرط علیه هر شهروند این جهان به هر دلیل و بهانه، متوقف شود.

ایجاد ترس و وحشت از پیوستن آنان به یکدیگر و مقابله با بی عدالتی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی جلوگیری نمایند.

طبق آمارهای سازمان عفو بین الملل در سال ۲۰۰۹ در حدود ۷۱۴ نفر در جهان به انواع مختلف اعدام گشته اند. البته به این امار های رسمی اعتمادی نیست و آمار واقعی اعدام ها در سال اخیر مسلماً بیش از رقم قید شده است.

عفو بین الملل تخمین می زند که بیشترین اعدام های سال ۲۰۰۹ در چین صورت گرفته است و به این دلیل چین در مقام اول و سپس

## قانون اعدام توهین به شعور و شرف انسانی است

ناهید جعفرپور

ایران در مقام دوم و عراق در مقام سوم اعدام ها در جهان قرار داشته اند. در حالیکه اگر به درصد جمعیت این کشور ها و مقایسه آن بپردازیم ( جمعیت بیش از میلیاردی چین و جمعیت ۷۰ میلیونی ایران) به روشنی به این نتیجه خواهیم رسید که مقام اول در اعدام انسانها و قتل مخالفین سیاسی را در سال ۲۰۰۹ در ابتدا ایران داشته است. و چین در مقایسه نسبت به جمعیتش در مقام دوم قرار می گیرد. البته در باره چین به سختی می توان به آمار درستی دست یافت. عفو بین الملل در سال ۲۰۰۸ از ۲۳۹۰ اعدام در جهان گزارش داده است که تنها ۱۷۰۰ نفر آن در چین به مرگ محکوم شده اند. به احتمال قوی آمار واقعی بیش از این ارقام می باشد. دیگر سازمان های حقوق بشری سالانه از ۱۰۰۰۰ اعدام در چین گزارش می دهند. بعد از چین

اعدام یک انسان وحشتناک و بدور از انسانیت است. قانون اعدام پس مانده قوانین بربریت دوران برده داری و دیگر دوره های سیاه تاریخ بشریت است. از این روی اعدام انسانها در جوامع متمدن جائی نخواهد داشت. مقاومت در مقابل قانون اعدام به هیچ وجه به مفهوم سمپاتی به قاتل محکوم شده نخواهد بود ( مجرمین جنائی) زیرا که قتل یک انسان خود نشان دهنده عدم وجود احترام به زندگی انسانی است. دقیقاً به همین دلیل هم قتل نفرت انگیز است و قتل یک انسان به هر دلیل از سوی دولت ها غیر انسانی و غیر اخلاقی است. از سوی دیگر اعدام سیاسی انسانها توسط دولت ها هم قتلی مضاعف است و تنها با محاکمه عاملین این قتلها می توان جامعه را پالایش داد.

مجازات اعدام از برابری همه انسانها در مقابل قانون جلوگیری می کند. مجازات اعدام برای همیشه و تمامی اعصار این حق را از انسانی می گیرد که مدارک جدیدی برای تخفیف جرمش و یا بی گناهی بدست آورد یا قوانین جدید شامل حالش گردد. قوانینی که می تواند حکم اعدام وی را تخفیف دهد و یا اصولاً قانون اعدام را منحل سازد. زیرا که هر متهم محکوم به حبس همواره از این شانس برخوردار است که مدارک جدید برای اثبات بی گناهی بدست آورد و یا از مزایای قوانین جدید برای بهبود وضعیتش بهره برد.

یک جامعه دمکرات و متمدن به هیچ وجه اجازه ندارد جان انسانی را به هر دلیل از وی بستاند. اعدام یک انسان به خودی خود یک قتل است آنهم قتلی فجیع و آگاهانه. قتلی که به انسانها این پیام را می دهد که برای حل مشکلات و معضلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی خود دست به قتل مخالفین خود بزنند. در واقع این خود وحشتناک ترین الگوئی است که می توان به یک جامعه سالم داد. در قرن اخیر بسیاری از دولت ها تلاش نموده اند بارها و بارها قتل سیاسی انسانها را توجیح نموده و این عمل غیر انسانی و کشتن مخالفین خود را حرکتی در راه بهبود زندگی مابقی انسانها بخوانند. در حالیکه کشتن انسانها مخرب است و بر روی جامعه تنها تاثیری خشن میگذارد. این دولت ها با اتکا به قتل سیاسی انسانها، شکنجه و زندان تلاش می کنند به عمر و بقای خود ادامه دهند و از این حربه استفاده نمایند تا در صفوف مردم جامعه و مبارزه آنان خلل وارد نمایند و با

## گزارش برگزاری کنگره نهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

کنگره نهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران در روزهای هشتم، نهم و دهم مرداد ماه ۱۳۸۹ برابر ۲۹ و ۳۰ ژوئیه و اول ماه اوت ۲۰۱۰ برگزار شد. در این کنگره، افزون بر اعضای سازمان، هیئت های نمایندگی احزاب و سازمان های: حزب دموکرات کردستان ایران، حزب کومه له ایران، حزب دموکرات کردستان، جبهه ملی ایران - اروپا، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران حضور داشتند. نمایندگان کومه له زحمتکشان کردستان به رغم استقبال از شرکت در جلسه، به دلیل مشکلات فنی نتوانستند حضور پیدا نمایند. همچنین تعدادی از دوستان نزدیک سازمان نیز مهمان کنگره بودند.

در دستور کار کنگره موضوعات زیر قرار داشت:

- ۱- تصویب آئین نامه اداره جلسه
- ۲- تطبیق ساختار تشکیلاتی با شرایط کنونی
- ۳- فدرالیسم در ایران و موضع ما
- ۴- تحلیل سیاسی و استراتژی
- ۵- قرارها
- ۶- انتخابات کمیته مرکزی

برخورد با عملکرد سازمان و ارگان های مرکزی پیش از جلسه کنگره صورت گرفته بود و به همین خاطر در دستور جلسه کنگره قرار نداشت. اما خاطرنشان شده بود که بخش مربوط به بررسی پیشرفت مباحث وحدت چپ طی کنگره و با حضور هیئت های نمایندگی دو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران مورد بحث قرار خواهد پذیرفت.

نخست کنگره توسط هیئت رئیسه موقت با اعلام یک دقیقه سکوت به احترام جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و به ویژه جانباختگان جنبش ضد استبدادی کنونی مردم ایران آغاز به کار نمود. ابتدا و پیش از ورود به بحث، مسئول کمیته تشکیلات گزارشی از تعداد اعضای شرکت کننده و دارای حق رای و تعداد غایبین را، به کنگره ارائه نمود. پس از این گزارش، رسمیت کنگره، با دو سوم اعضای شرکت کننده، اعلام شد و بلافاصله هیئت رئیسه دائم انتخاب شد و اداره جلسه را به عهده گرفت. هیئت رئیسه در اولین گام آئین نامه پیشنهادی کمیته مرکزی را در دستور گذاشت. این آئین نامه بدون موضوعات پیشنهادی برای دستور جلسه کنگره، به رای گذاشته شد و با اکثریت قریب به اتفاق به تصویب رسید سپس پیرامون موضوعات پیشنهادی برای دستور کار کنگره بحث آغاز شد. پیشنهادی برای حذف بند دوم یعنی

« تطبیق ساختار تشکیلاتی با شرایط کنونی » طرح شد. در موافقت با حذف این پیشنهاد عنوان می شد که چون در دستور کار کنگره موضوعات مهم دیگری قرار دارند، تعدد موضوعات امکان پرداختن به آن ها را دشوار می کند. افزون بر این گفته شد که به دلیل این که برای این موضوع کمیته مرکزی تدارک مشخصی انجام نداده و قطعنامه ای تدوین نشده است، بعید است بتوانیم در کنگره به نتیجه ای دست یابیم. در موافقت با آن چنین استدلال می شد: ساختار تشکیلات سازمان پس از مهاجرت هر چند تغییراتی کرده است، اما جنبش کنونی نشان داد هنوز ساختار سازمان به تغییرات زیادی نیاز دارد تا امکان بهره گیری از تمام ظرفیت تشکیلات برای مشارکت در این جنبش به وجود آید. جنبش کنونی تناقض توان نسبتا بالای اعضای سازمان با ضعف دخالت سازمان یافته در آن را هر چه بیشتر آشکار نمود. در نهایت حذف آن به رای گذاشته شد و با ۳۰ در صد رای موافق به تصویب رسید و در دستور کار کنگره باقی ماند.

برای دستور جلسه کنگره پیشنهاد افزودن امر وحدت چپ به دستور آن طرح شد. کمیته مرکزی سازمان به دلیل این که برخورد با مشکلات فرا روی وحدت را از وظایف رهبری منتخب می دانست و برای امر وحدت چپ طرح جدیدی در قیاس با طرح مصوب کنگره هشتم نداشت، از قرار دادن آن در دستور کار کنگره، اجتناب کرده بود. پیشنهاد دهندگان با این استدلال که موضوع وحدت چپ از زمره وظایف بسیار مهم سازمان است و با توجه به این که بنا بر برخی ارزیابی ها، پیشرفت مباحث با کندی زیادی روبرو شده است، تاکید داشتند که باید در کنگره پیرامون آن بحث شود تا برای این معضل، به همراه سایر جریانات دیگر راهیابی کنیم. در نهایت افزودن موضوع وحدت چپ به دستور جلسه کنگره با ۶۷ درصد آرای موافق به تصویب رسید و در دستور کار کنگره قرار گرفت. با روشن شدن دستور جلسه، هیئت رئیسه منتخب کنگره به ترتیب بحث حول آن ها را برای روشن کردن مواضع سازمان در دستور قرار داد. در این جا مهم ترین نکات مورد تاکید سخنرانان در کنگره و مصوبات را به اطلاع می رسانیم.

الف- تطبیق ساختار تشکیلاتی با شرایط کنونی، اولین موضوعی بود که مورد بحث قرار گرفت. پیرامون این موضوع طرح بحثی از طرف کمیته تشکیلات سازمان در اختیار اعضای شرکت کننده در جلسه قرار گرفته بود. این مطلب در بخش مباحث تدارک کنگره نهم سایت سازمان (اتحاد کار) منتشر

شده است. مساله اصلی مورد تاکید این بود که ساختار کنونی پاسخگوی شرایط نیست و امکان دخالت سازمان یافته و استفاده از ظرفیت و توان مجموعه نیروهای سازمان را ندارد. با این حکم، اغلب رفقا توافق داشتند. اختلاف عمدتا نه در اشکالات این ساختار و ضرورت تغییر آن، بلکه در دستور قرار دادن این موضوع بدون پیشنهاد مشخص بود. عموم رفقا بر اهمیت این مساله تاکید داشتند و پرداختن به آن را در آینده ضروری می دانستند. در پایان بحث قرار شد پیشنهادات برای رای گیری در اختیار هیئت رئیسه قرار گیرد تا در فرصت مناسب به رای گذاشته شود. در رابطه با این موضوع، از طرف دو تن از رفقا قرار می مبنی بر موظف نمودن کمیته مرکزی آتی برای سازماندهی بحث در این مورد پیشنهاد شد که با ۴۴ در صد آرای موافق به تصویب رسید اما کنگره بر اهمیت آن طی مباحث انگشت گذاشت.

ب- فدرالیسم در ایران و موضع ما، دومین موضوعی بود که در دستور کار کنگره قرار داشت. کنگره هشتم کمیته مرکزی منتخب را موظف کرده بود تا بحث پیرامون موضوع فدرالیسم را سازماندهی کرده و حاصل مباحث را جمع بندی و ارائه کند. کمیته مرکزی سازمان نیز گروه کاری تشکیل داد تا به این مقوله بپردازد. حاصل تلاش این گروه کار، مطلبی است با عنوان "مدخلی بر بحث فدرالیسم". بر اساس این مطلب، قطعنامه ای به کنگره ارائه شد با عنوان: "پیش نویس طرحی برای قطعنامه در مورد فدرالیسم در ایران" این دو نوشته در بخش "مباحث تدارک کنگره نهم" در سایت سازمان منتشر شده اند. پیرامون این موضوع بحث شد. پس از دو دور بحث، از آن جا که فقط همان یک قطعنامه وجود داشت، به عنوان مبنای کار کمیسیون به رای گذاشته شد و با ۹۱ در صد آراء به تصویب رسید. سپس کنگره کمیسیونی را انتخاب نمود تا پیشنهادات را وارد متن نموده و قطعنامه را برای کنگره آماده نماید. کمیسیون منتخب کنگره در نهایت دو پیشنهاد را به رای اعضای کنگره گذاشت.

پیشنهاد اول حذف پارگراف زیر بود:

«با توجه به تجارب کشورهای مختلف که چنین شکل حکومتی در آنها اعمال می شود، آنچه که برای جامعه ما می تواند مدنظر باشد، تعیین محدوده های متفاوت مبتنی بر دو شاخص زبان و جغرافیای واحد است. در ایران، این دو مشخصه با واقعیت وجودی اجزا تشکیل دهنده ایران، که کم و بیش در محدوده های جغرافیائی مشخصی قرار دارند، خوانائی بیشتری دارد»

این پیشنهاد با ۳۶ در صد آراء به تصویب نرسید.

پیشنهاد دوم جایگزینی پارگراف آخر قطعنامه با متن دیگری بود. یعنی پیشنهاد حذف پاراگراف زیر داده شد:

«ما به مثابه نیروی چپ و ترقیخواه، بر این باوریم که راه حل دموکراتیک برای رفع ستم ملی در ایران، می‌تواند نظامی فدرال بر مبنای دو عنصر زبان و جغرافیای بهم پیوسته باشد. این پیشنهاد ماست ولی ما همه نیروهای سیاسی و دمکرات را به گفتگو و تفاهم برای یافتن مناسبترین شکل حکومتی که مطالبات ملی و دموکراتیک ملیتهای ساکن ایران را تامین سازد، فرا می‌خوانیم»

متن پیشنهادی برای جایگزین شدن پاراگراف فوق چنین بود:

«ما به مثابه نیروی چپ و ترقیخواه بر این باوریم که فدرالیسم یک شکل مناسب حکومتی است برای عدم تمرکز، تقسیم قدرت مرکزی و حل دموکراتیک مساله ملی در ایران می‌باشد»

این پیشنهاد با ۵۲ در صد آرا به تصویب رسید.

سپس قطعنامه با اصلاحات به رای گذاشته شد که با ۷۵ در صد آراء و بدون رای مخالف به تصویب رسید. (سند شماره یک)

ج- تحلیل سیاسی و استراتژی ما، موضوع دیگر در دستور بحث بود، که بیشترین وقت کنگره بدان اختصاص یافت. در باره این موضوع سه مطلب برای اظهار نظر به کنگره ارائه شده بود. گروه کار تدارک سیاسی کنگره مطلبی تنظیم کرده بود با عنوان "تحلیل سیاسی، چشم انداز و سیاست های ما" مطلب دیگری توسط رفیق نادر عصاره تهیه شده بود که به تائید پنج تن دیگر یعنی رفقا فرزانه عظیمی، مسعود فتحی، رضا اکرمی، پرویز نویدی و محمد اعظمی رسیده بود. این مطلب با عنوان: "ارزیابی از جنبش اعتراضی و آزادخواهانه مردم ایران (جنبش سبز)، اهداف مرحله ای، برخی ارزش ها و روش های ما" منتشر شد. مطلب دیگر توسط رفیق علی جلال تنظیم شده بود، با عنوان "قیام ۲۳ خرداد ۸۸ و جنبش برآمده از آن و وظایف ما". این سه مطلب ابتدا توسط تدوین کنندگان آنها توضیح داده شد و سپس شرکت کنندگان در کنگره نظرات و انتقادات خود را در مورد آن ها بیان داشتند. تمرکز مباحث شرکت کنندگان در کنگره حول دو مطلب نخست بود و بیشترین برخورد و انتقاد و پرسش متوجه این دو مطلب بود. محور انتقاد از مطلب گروه کار به ناروشنی در خط مشی سیاسی و طولانی و تکراری بودن احکام آن مربوط می شد. محور اصلی انتقاد به مطلب مورد تائید شش نفر ابهام در موضع در قبال حکومت و نپرداختن به برخی عرصه های دیگر سیاسی عنوان می شد. افزون بر این انتقاداتی هم به هر دو در زمینه به روز نبودن آنها در قبال جنبش ضد استبدادی کنونی وجود داشت. پس از دو دور بحث،

رای گیری برای تعیین سند مبنا در دستور قرار گرفت. برای روشن شدن اشتراکات و تفاوت ها، پیشنهادی طرح شد که بر اساس سه مطلب ارائه شده به کنگره تلاش شود یک مطلب تدوین شود، که در آن نقاط اشتراک و افتراق مشخص گردد. نتیجه چنین پیشنهادی به این می انجامید که هیچکدام از مطالب نمی توانست به تنهایی مبنا قرار گیرند. هیئت رئیسه جلسه این پیشنهاد را مغایر آئین نامه دانست و رای گیری در رابطه با این پیشنهاد را به نقض یکی از بندهای آئین نامه مشروط می دانست. از این رو ابتدا نقض آئین نامه اداره جلسه در این مورد خاص، به رای گذاشته شد و با ۸۵ در صد آراء به تصویب رسید. سپس کمیسیونی انتخاب شد تا اشتراکات و تفاوت ها را مشخص نماید. کمیسیون پس از بحث موارد اشتراک را مشخص نمود. و در انتها تفاوت ها را به شکل جداگانه منعکس نموده بود. در جمع بندی کمیسیون روشن شد که تفاوت ها در زمینه نام جنبش کنونی و جایگاه و وزن شعار انتخابات آزاد در مشی سیاسی ما، خلاصه شده است. اکثریت کمیسیون پیشنهاد داشت تا اشتراکات به رای گذاشته شود و برای تفاوت ها بحث تا پایان سال جاری ادامه یابد و سپس نظر سازمان مشخص گردد. ابتدا برای اشتراکات رای گیری شد و پیشنهاد با ۸۹ در صد آراء موافق و ۹ درصد مخالف به تصویب رسید. (سند شماره دوم).

سپس روی نظر اقلیت کمیسیون برای مشخص کردن نظر کنگره پیرامون تفاوتها رای گیری شد که با اخذ ۳۴ در صد آراء به تصویب نرسید. (موضوعات مورد بحث، ضمیمه سند شماره ۲)

د- وحدت چپ، یکی دیگر از موضوعات مهمی بود که پیرامون آن، افزون بر اعضای سازمان، مهمان ها به ویژه نمایندگان دو سازمان دیگر، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران، مشارکت فعالی داشتند. در این زمینه چون موضوع در دستور نبود، کمیته مرکزی سازمان، قطعنامه و یا قراری تدارک نکرده بود. ولی همانگونه که در بالا اشاره شد، بررسی عملکرد و پیشرفت مباحث وحدت چپ را در دستور کار کنگره پیشنهاد کرده بود. از طرف دیگر قطعنامه ای هم توسط رفیق پرویز نویدی به کنگره پیشنهاد شده بود. این دو موضوع، یعنی بررسی پیشرفت مباحث وحدت چپ، با توافق کنگره، هم زمان مورد بحث قرار گرفت. مساله مهم مورد بحث، ارزیابی از سیر تاکتونی مباحث وحدت چپ و موانع فرا راه آن بود. مشکلات فرا روی این امر از طرف اعضای سازمان و اعضای هیات نمایندگی دو سازمان دیگر، با صراحت مطرح شد و راه حل هایی ارائه گردید. مهم ترین مشکل کندی پیشرفت پروژه ای بود که در کنگره هشتم ما مورد تاکید قرار گرفته و در سطح جنبش منعکس

شده بود. در صحبت ها مخالفتی با اصل پروژه وحدت چپ وجود نداشت، اما در رابطه با چگونگی پیشبرد و سرعت پیشروی آن، تاکیدات متفاوتی مطرح می شد. برخی رفقا در گام نخست بر وحدت دو سازمان یعنی "سازمان اکثریت" و سازمان ما تاکید داشتند. سپس وحدت با دیگر سازمان ها را در یک پروسه مورد تاکید قرار می دادند. رفقای نیز روش برخورد "شورای موقت" را هم خوان با وحدت نمی دانستند. و ارتباط آن ها را با سازمان فائیان خلق اسران - اکثریت ضعیف می دانستند. برخی دیگر سازمان اکثریت را مورد انتقاد قرار می دادند که برخی توافقات را به تاخیر انداخته است. عده ای نیز افزون بر همه این مشکلات نقش سازمان ما را برای ارائه راه حل و خروج از این بن بست موقت، موثر نمی دانستند. اما عموم شرکت کنندگان در مباحث بر تصمیم پیشین مبنی بر ادامه پروژه وحدت سه جریان و دیگر افراد فعال متمایل به این پروژه، تاکید نمودند و خواهان گسترش گفتگو در سطح اعضای سه جریان و همکاری و اتحاد عمل در تمامی زمینه ها بودند. با توجه به مباحث و تاکیدات مثبتی که روی وحدت صورت گرفت رفیق پرویز نویدی هدف خود را تا حدود زیادی تامین شده دانست و رای گیری روی قطعنامه خود را منتفی اعلام نمود. اما یکی از رفقا با این استدلال که سخنان رفقا در کنگره و تاکیدات مثبت شان الزاما وظیفه ای ایجاد نمی کند، پیشنهاد قراری را به کنگره نمود تا این مباحث و این تاکیدات به صورت وظیفه در دستور کار کمیته مرکزی سازمان قرار گیرد. این پیشنهاد با ۸۲ درصد آرای موافق و ۶ در صد رای مخالف به تصویب رسید. (قرار شماره ۱)

قرارها: پس از تصویب قطعنامه در مورد فدرالیسم، از طرف یکی از مهمانان کنگره، قراری مبنی بر موظف نمودن کمیته مرکزی آتی برای کار متمرکز حول اسناد سازمان ملل پیشنهاد شد. پس از بحث موافقین و مخالفین، در قرار پیشنهادی تغییری داده شد که این امر را نه به عنوان وظیفه بلکه با در نظر گرفتن الویت وظایف در دستور و در صورت امکان، این امر سازماندهی شود. پس از وارد نمودن این تاکید، قرار نامبرده با ۷۰ درصد آرا موافق و ۷ درصد از آرا مخالف به تصویب رسید. (قرار شماره ۲)

در جریان کنگره پیشنهادی در رابطه با حمایت از زندانیان اعتصابی اوین و خانواده آنان ارائه شد که پیشنهاد پا موافقت کنگره روبرو شد و بلافاصله متنی تهیه و پس از تائید کنگره منتشر شد. پیشنهاد دیگری در حمایت از جنبش مردم ایران عنوان شد که با این پیشنهاد هم موافقت شد و به کمیته مرکزی منتخب مسئولیت داده شد تا از جانب کنگره این پیام را تنظیم و منتشر نماید. این پیام پس از کنگره تنظیم و منتشر شد. بقیه در صفحه ۱۲

## اسناد و قرارهای مصوب کنگره نهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

### الف: اسناد

#### سند شماره ۱: فدرالیسم

#### قطعنامه در مورد فدرالیسم در ایران

مقدمه:

در ایران ما، دستیابی به جامعه‌ای دموکراتیک، آزاد و آباد، خواست محوری اکثریت عظیم ساکنان آن است. علاوه بر موازین عام در حوزه حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی و نیز اتکا به رای آزادانه و مستقیم مردم، که از خصلتهای اولیه نظامی دموکراتیک به شمار می‌آیند، پاسخگویی به نیازمندیهای گوناگون ساکنان ایران، برای تضمین برابر حقوقی و مشارکت آنان در اداره امور جامعه، در زمره چالشهای کنونی و واقعی جامعه ما قرار دارد. سازمان ما از آغاز و تاکنون بر این باور بوده و هست که کشور ما ایران، سرزمین مشترک مجموعه‌های متفاوتی چه به لحاظ ملی، زبانی، فرهنگی و چه از نظر مذهب و مسلک، بوده است. کثیرالملمه بودن ایران از این واقعیت تاریخی نشأت گرفته و خود را به عینه در بافت کنونی آن نشان می‌دهد.

حاکمیت سیاسی در ایران اما تا به امروز، نه تنها نماد خواست و اراده همه اجزای تشکیل دهنده آن، نبوده، بلکه با پایمالی مستمر حقوق دموکراتیک غالب آنها، علاوه بر همه مشکلات عمومی در جامعه، ستم افزونی را به آنها روا داشته و می‌دارد. این ستم که دوگانه و یا مضاعف خوانده می‌شود، با سرکوب مستمر در طول تاریخ تداعی شده که عبارت از تحمیل فشارهای مضاعف به صرف تعلق به یکی از گروه‌های اجتماعی تشکیل دهنده جامعه ماست که در زمره زبان، فرهنگ و مناسبات مورد پذیرش حاکمیت مسلط و یا رسمی به شمار نمی‌آیند. از طرف دیگر این ستم، خود را بویژه در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی، به خاطر در حاشیه نگاه داشتن غالب مناطق متعلق به این گروه‌های، نشان داده که موجبات نابرابری و تبعیض جدی و غیرقابل کتمان شده است که نتایج آن به عینه قابل مشاهده است.

شکل‌گیری و رشد جنبشهای ملی-دموکراتیک در میان ملیتهای تحت ستم ایران در دوره معاصر، ناشی از تبعات فوق بوده و اکنون به یکی از پایه‌های جنبش سراسری در ایران مبدل گشته‌است. بنابراین تبعیض و ستم ملی در ایران، مساله‌ای واقعی است که انکار آن به هر عنوان، کمکی به حل آن نمی‌کند. تلاش برای حل دموکراتیک و مسالمت‌آمیز مساله ملی بر مبنای حق تعیین سرنوشت و اراده آزاد مردم هر منطقه در چارچوب ایرانی آزاد و دموکراتیک و به رسمیت شناختن حقوق سیاسی و فرهنگی آنان بسیار اهمیت دارد. از طرف دیگر، راه مقابله با گرایش‌های جدائی طلبانه و جلوگیری از تصادم و تنازع میان ملل ساکن ایران که طی قرن‌ها و نسل اندر نسل در کنار هم زندگی کرده‌اند، تامین برابری حقوق کامل و برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت آنهاست. تنها راه حفظ یکپارچگی ایران، اتحاد داوطلبانه و آزادانه ملیتهای ایران و پشتیبانی و دفاع از آنها در تعیین سرنوشت خویش است. سازمان ما از جمله نیروهائی است که با به رسمیت شناختن این حق و حقوق، همواره برای تحقق آنها تلاش نموده و می‌نماید. از جمله و در آخرین کنگره (هشتم)، قرار زیر را صادر نموده بود:

«تامین حقوق دموکراتیک ملیت‌های ساکن ایران در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، دفاع از اتحاد داوطلبانه این ملیتهای در چارچوب کشور ایران

و استقرار برابر حقوقی همه ملیت‌ها و اقوام ایرانی اعم از فارس، آذری، کرد، ترکمن، عرب، بلوچ و... که ملت ایران را تشکیل می‌دهند.»

همچنین با توجه به مباحثی که در مورد ارائه شکل نظام حکومتی به میان آمده بود، کنگره هشتم بند زیر را در اسناد خود به تصویب رساند:

«سپردن اداره امور به دست منتخبین مردم در سراسر کشور، انتخاب شکل مناسب برای عدم تمرکز قدرت در دولت مرکزی از جمله فدرالیسم به عنوان یک شکل مناسب و شناخته شده در سطح بین‌المللی»

بر اساس مبانی فوق، که در اسناد تا کنونی سازمان ما آمده است، کنگره نهم، قرار زیر را صادر می‌کند:

#### قرار کنگره نهم:

مضمون و شکل حاکمیت پیشنهادی برای آینده ایران، می‌بایست با خواست و هدف تامین برابر حقوقی همه اجزای تشکیل دهنده جامعه ایرانی، منطبق باشد. ارکان چنین حاکمیتی، از جمله، غیرمتمرکز بودن آن همراه با تامین تقسیم قدرت سیاسی است.

با توجه به تجارب عدیده جهانی، شکل شناخته شده و مناسب چنین نظام و حاکمیتی، فدرالیسم است. نظام فدرال، مبتنی بر قدرت سیاسی دوگانه‌ای است که طبق آن، از یک طرف، در هر محدوده مشخص شده‌ای، حاکمیتی داخلی به عهده نمایندگان منتخب ساکنان آن محدوده شکل گرفته و از طرف دیگر با دیگر محدوده‌ها، حاکمیتی سراسری و مشترک را برای اعمال قدرتی واحد و یگانه به اجرا می‌گذارند.

در برخی جوامع که از همگونی کم و بیش واحدی به لحاظ ترکیب تاریخی برخوردارند، فدرالیسم، به عنوان شکل مناسب اعمال حاکمیت برگزیده شده است. اما برای جامعه ما، فدرالیسم از دو جنبه دیگر هم می‌تواند حائز اهمیت باشد. نخست امکان مناسبی برای حل دموکراتیک مسئله ملی در ایران و دوم وسعت و تنوع جغرافیائی کشور ماست که با دارا بودن چنین نظامی، می‌تواند از بسیاری از معضلات تاکنونی و ناشی از یک حاکمیت متمرکزگرا، بکاهد.

تعیین محدوده و حوزه حاکمیت مجموعه‌های تشکیل دهنده جامعه ایرانی، که قصد دارند حاکمیت سیاسی واحدی را همراه و در کنار هم اعمال کنند، در چگونگی تعیین مناسبات این محدوده‌ها در حوزه قدرت سیاسی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

با توجه به تجارب کشورهای مختلف که چنین شکل حکومتی در آنها اعمال می‌شود، آنچه که برای جامعه ما می‌تواند مدنظر باشد، تعیین محدوده‌های متفاوت مبتنی بر دو شاخص زبان و جغرافیای واحد است. در ایران، این دو مشخصه با واقعیت وجودی اجزا تشکیل دهنده ایران، که کم و بیش در محدوده‌های جغرافیائی مشخصی قرار دارند، خوانائی بیشتری دارد.

ما می‌پذیریم که با توجه به گرایش‌های گوناگون و نیز گستردگی نگاه به آینده جامعه، قرار دادن یک شکل و یا یک شاخص به عنوان شرط از طرف گرایش‌های قکری، تلاش برای تفاهم در این عرصه را بسیار ناهموار می‌کند.

لازمه تفاهم و توافق میان غالب نیروهای سیاسی که به دموکراسی و آزادی می‌اندیشند، در درجه نخست، پذیرفتن واقعیت جامعه ما یعنی متنوع بودن آن به لحاظ ملی، زبانی و فرهنگی از یکطرف و از طرف دیگر تامین حقوق دموکراتیک و برابر، برای همه تشکیل دهندگان آن می‌باشد تا گامهای جدی در نفی هرگونه تبعیض و نابرابری و نیز ستم ناشی از تعلق به این یا آن مجموعه، برداشته شود. در

ما ضمن تأکید بر روش‌های مسالمت‌آمیز مبارزه، که از جمله ویژگی‌های مثبت جنبش عمومی مردم نیز بوده است، حق مردم برای استفاده از همه اشکال مبارزه برای دفاع از خود و مقاومت در برابر سرکوبگری‌های جمهوری اسلامی و از جمله حق قیام برضد بیداد و ستم و استبداد را به رسمیت می‌شناسیم.

گذار از استبداد به دموکراسی می‌تواند از طریق گسترش جنبش‌های اجتماعی، اعتصابات، نافرمانی مدنی، اعتراضات و تظاهرات توده‌ای و تمام اشکال دیگر مبارزات مردم، توازن قوا را تغییر داده، رژیم را به زانو در آورده و راه تحول و تحقق مطالبات مردم را هموار سازد.

۳- جنبش چپ در عین تأکید بر اختلافات خود با نیروهای دیگر در درون جنبش کنونی، به ویژه مدافعان حفظ نظام کنونی، باید:

• با حضور فعال خود جنبش آزادیخواهان را تقویت کند؛  
• مواضع مغایر با آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در جنبش را مورد نقد قرار دهد؛

• در عین همگامی، گفتمان انتقادی در میان نیروهای جنبش را پاس دارد؛  
• جدائی دین از دولت، برابر حقوقی همه شهروندان فارغ از جنسیت، مذهب و ملیت و قومیت آنان، رعایت بی‌کم و کاست بیانیه جهانی حقوق بشر، ابطال مفاد مغایر با این منشور در تمامی قوانین را خواستار شود؛  
• گفتمان دموکراتیک را ترویج کند، برای ارائه برنامه اثباتی تلاش کند و صاحب نظران و کارشناسان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را، جهت ارائه طرح‌ها و گفتمان‌های ضرور برای یک تحول دموکراتیک، تشویق نماید.

• ما با حفظ هویت و دیدگاه مستقل نیروهای چپ، دموکرات و لائیک، از مبارزه در زمینه‌های مشترک عینی مانند محکوم کردن سرکوبگری‌ها و افشای تبهکاری‌های جناح حاکم، آزادی همه زندانیان سیاسی، خواست محاکمه و مجازات آمران و عاملان شکنجه‌ها و جنایات، فراخوان به مقاومت و تداوم مبارزه و جنبش مردم، استقبال کرده و متقابلاً هر نوع برخورد انحصارطلبانه در تحمیل یک رنگ و یک دیدگاه و یا رهبری اصلاح طلبان حکومتی را به کل جنبش همگانی رد می‌کنیم. ما مبارزه رهبران اصلاح طلب حکومتی و همفکران آنها علیه مستبدان حاکم و برای پاره‌ای از حقوق و آزادیها را در راستای تقویت جنبش می‌دانیم، ولی آنها را نیروی دموکرات نمی‌شناسیم و از این رو، همکاری و همراهی استراتژیک با آنها، با هدف استقرار دموکراسی در ایران را ناممکن می‌دانیم.

۴- ما خواستار تحولات بنیادین و استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران هستیم. از نظر ما نیروی تحول در ایران جنبش‌های سازمان یافته و خودآگاه اقلیت و طبقات مختلف اجتماعی است. ما در جهت تحکیم موقعیت این جنبش‌ها، به مثابه تنها ضامن برچیدن بساط استبداد و منتفی شدن هرگونه بازگشت آن و بی‌حقوقی در هر شکل دیگر، تلاش می‌کنیم.

۵- ملت ایران را مجموعه شهروندان کشور فارغ از تبار، مذهب و ملیت، تشکیل می‌دهند که از حقوق برابر برخوردارند و به عنوان شهروند در تعیین سرنوشت آن سهیم اند. ملت ایران، مرجع مشروعیت هر حکومتی است. افراد و آحاد مختلف ملت از آزادی و حقوق برابر برخوردارند و شرایط رشد و شکوفائی آنان از طریق راه حل‌های دموکراتیک که نهایتاً با آراء آن‌ها بیان می‌شوند، تحقق می‌یابد.

ملیت‌ها و اقوام متعددی در کشور ما حضور دارند، اما هم در رژیم گذشته و هم در دوران جمهوری اسلامی زبان‌ها و فرهنگ‌ها و هویت‌های متفاوت از هویت رسمی، همواره مورد تبعیض بوده‌اند. در دوران جمهوری اسلامی تبعیض خشن مذهبی هم بر آن‌ها افزوده شده است. رفع همه این تبعیض‌ها، تأمین حقوق

چنین مسیری و با خواست تأمین حاکمیتی غیرمتمرکز در ایران است که می‌تواند مباحثات سازنده و راهگشائی، بر سر اشکال حکومتی، مختصات تعیین هر محدوده و حوزه‌ای با استفاده از تجارب تاکنونی در پهنه گیتی و بررسی همه جانبه تمامی زوایایی که این موضوع، در برمی‌گیرد، صورت پذیرد.

ما به مثابه نیروئی چپ و ترقیخواه بر این باوریم که فدرالیسم یک شکل مناسب حکومتی برای عدم تمرکز، تقسیم قدرت مرکزی و حل دموکراتیک مساله ملی در ایران می‌باشد.

## سند شماره ۲ سند سیاسی

### قطعنامه سیاسی کنگره نهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

۱- هدف مرحله‌ای ما، استقرار یک جمهوری دموکراتیک و لائیک به جای جمهوری اسلامی است. شرط ایجاد چنین نظامی، احترام به عقیده و مذهب هر شهروند، جدائی کامل دین از دولت، پاسخگویی به مطالبات اقتصادی و اجتماعی، رفع هرگونه تبعیض بر اساس جنسیت و ملیت و مذهب، برابر حقوقی زنان با مردان، به رسمیت شناختن موازین حقوق بشر و تابعیت همه قوانین از رأی مردم است.

۲- با برآمد جنبش آزادیخواهان و حق طلبانه توده‌ها در یک سال اخیر، امیدها و امکانات تازه‌ای در جهت تحقق خواست‌های دیرین مردم ایران برای آزادی، استقرار دموکراسی و تأمین عدالت به وجود آمده است. ما در این جنبش مشارکت داریم و از آن حمایت می‌کنیم. ما افراد، شخصیت‌ها و نیروهای آزادیخواه، چپ و دموکرات و فعالان دیگر جنبش‌های اجتماعی را به شرکت فعال در این جنبش عمومی، در داخل و خارج کشور، فرا می‌خوانیم.

ما خواستار استمرار و گسترش هرچه بیشتر جنبش عمومی مردم هستیم که آزادی‌ها، حقوق مدنی و سیاسی و حق حاکمیت مردم خواست مشترک آن است. حضور و مشارکت فعال کارگران ایران، همراه با طرح مطالبات مشخص و مشترک آنان، در این مقطع، نقش بسزائی در تقویت و توسعه جنبش همگانی دارد. پیوند میان جنبش کارگران و زحمتکشان و دیگر جنبش‌های صنفی و اجتماعی، پیوند بین مبارزه برای نان و مبارزه برای آزادی و دموکراسی را، در عمل، تحقق بخشیده و پایه‌های استواری برای استمرار و رشد جنبش عمومی پدید می‌آورد. مبارزات جنبش‌های ملیت‌های ساکن ایران برای کسب حقوق خود، که ضمناً از توان سازمان یابی بالائی هم برخوردارند، در صورت برقراری پیوندهای نزدیک با جنبش همگانی، می‌توانند نقش مهمی در کسب آزادی و استقرار دموکراسی در ایران بازی کنند.

ما از حق کارگران، معلمان، پرستاران، کارمندان و دیگر اقشار مردم برای ایجاد سندیکاها و تشکل‌های آزاد و مستقل خود، دفاع و برای کمک به شکل‌گیری آن‌ها تلاش می‌کنیم. ما از حق فعالیت علنی و آزادانه تشکل‌ها و نهادهای مستقل موجود در بین دانشجویان، زنان، کارگران، نویسندگان و روزنامه‌نگاران و مدافعان حقوق بشر دفاع کرده و علیه اعمال سانسور و سرکوب بر آن‌ها، مبارزه می‌کنیم.

ما بر لزوم شکل‌گیری کانونها، نهادها، در درون جنبش عمومی جاری و در ارتباط با جنبش‌های اجتماعی و مطالباتی تأکید کرده و آن را برای تقویت و رشد جنبش مردم ضروری می‌دانیم.



ما مخالف هرگونه اقدامی برای آلترناتیوسازی از سوی دولت‌های خارجی هستیم. ما با احترام به حق تعیین سرنوشت همه ملل جهان، تعیین تکلیف با حکومت اسلامی را حق منحصر به فرد مردم ایران می‌دانیم.

۸- از نظر ما، سیاست‌های رژیم موجب تشدید بحران ساختاری اقتصاد ایران شده که تأثیرات فزاینده مجازات‌های بین‌المللی و بحران جاری سرمایه‌داری جهانی نیز بر دامنه آن افزوده است. عوارض بلاواسطه این بحران، چون بیکاری و گرانی، گریبانگیر اکثریت جامعه ما و خصوصاً مزد و حقوق بگیران و زحمتکشان است. رژیم حاکم برای مقابله با بحران اقتصادی و در واقع انتقال بار آن بر دوش مردم، در صدد اجرای طرح «هدفمند کردن یارانه‌ها» است که حاصل آن چیزی جز فقر و فلاکت بیشتر برای توده‌ها نیست. تنها مبارزه متحد و متشکل صنفی، اقتصادی و اجتماعی اقشار گوناگون مردم است که می‌تواند رژیم را در این زمینه وادار به عقب‌نشینی کرده و در عین حال، موجب تقویت و گسترش جنبش عمومی شود.

۹- ادامه حمایت از مبارزات مردم، در خارج از کشور کاملاً ضروری است، به ویژه آن که با تشدید سرکوبگری‌ها در داخل و رکود نسبی جنبش اعتراضی، امید و انتظار نسبت به کمک‌ها و حمایت‌های ایرانیان آزادیخواه و دموکرات خارج کشور هم افزوتر می‌شود. تلاشهای فعالان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در خارج برای بازتاب تلاشها و مبارزات مردم در ایران و جلب پشتیبانی بین‌المللی و منزوی کردن هرچه بیشتر حکومت اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار است. گسترش رابطه با بنیادهای مترقی، احزاب مترقی و سازمان‌های حقوق بشری و بویژه سندیکاها، سازمان‌های زنان، دانشجویان و ... به کمک ایرانیان مقیم خارج از کشور امکان‌پذیر است.

۱۰- در حال حاضر جنبش همگانی فاقد رهبری مستقل و متمرکز است و نیروهای اپوزیسیون چپ، دموکرات و ترقیخواه هم در پراکندگی به سر می‌برند. ضروری است که این نیروها که برای آزادی، جدائی دین از دولت، استقرار دموکراسی، حفظ استقلال و صلح مبارزه می‌کنند، تلاشهای خود را برای سامان دادن به یک ائتلاف وسیع جهت تحقق این اهداف دوجندان کنند. به نظر ما، همکاری و اتحاد همه نیروها، شخصیتها و جریاناتی که در راه استقرار یک نظام دموکراتیک و لائیک مبتنی بر اراده مردم، به جای جمهوری اسلامی، تلاش و پیکار می‌کنند، ضرورتی تاریخی و انکارناپذیر است. برای پاسخگویی به این ضرورت، ما به سهم خود دست همه این نیروها را به گرمی می‌فشاریم.

## موضوعات مورد بحث

### ۱- در رابطه با جنبش اعتراضی

حرکتی که در پی اعتراض به جعل آرا و تقلب انتخاباتی جناح غالب حکومتی در ۲۲ خرداد آغاز و بسرعت به جنبش گسترده همگانی در تهران و برخی دیگر از شهرها تبدیل گردید، اساساً از نارضایتی و نفرت مردم نسبت به رژیم حاکم بر می‌خیزد.

حرکتی اعتراضی مردم طی سال گذشته، عمدتاً جنبشی خودجوش و خودانگیخته بوده است. جنبش همگانی مردم فاقد رهبری متمرکز و هدایت از بالا است و اکثر به صورت خودگردان عمل می‌کند.

تکثر و تنوع وسیع اقشار و گرایش‌های شرکت‌کنندگان، از ویژگی‌های اصلی این جنبش است. در جنبش عمومی آزادیخواهانه و حق‌طلبانه جاری، افراد و گروه‌ها و اقشار گوناگونی از مردم مشارکت دارند. نقش و سهم زنان، جوانان و

دموکراتیک ملیت‌های متنوع کشور و ایجاد شرایط لازم برای رشد آزادانه فرهنگ و هویت آن‌ها از الزامات استقرار و تثبیت دموکراسی در ایران است. خواست ما:

• سپردن اداره امور مناطق مختلف ایران، به منتخبان محلی، از جمله در شکل فدراتیو، و محدود نمودن اختیارات دولت مرکزی به اموری که مربوط به کل کشور می‌شود. استفاده از زبان فارسی به عنوان زبان مشترک مردم ایران و آموزش زبان مادری در مناطق ملی، با توجه به اکثریت جمعیت هر منطقه و تدریس زبان‌های موجود در ایران در دانشگاه‌ها.

• ما از حقوق اقلیت‌های مذهبی و دیگر گروه‌های اجتماعی که بدلیل اعتقاد و یا هر انتخاب متفاوت دیگری در زندگی شخصی مورد پیگرد قرار می‌گیرند، دفاع می‌کنیم.

۶- ما در شرایط کنونی، بخصوص بدنال صدور قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد، سیاست‌های جمهوری اسلامی در زمینه بحران اتمی و بی‌پاسخ گذاشتن مکرر خواست‌های مراجع بین‌المللی را عامل اصلی تشدید این بحران و جاده صاف کن هرگونه اقدام مخرب، از تحریم اقتصادی تا جنگ، علیه کشورمان دانسته، راه جلوگیری از همه این مصائب را پایان دادن به آن سیاست‌ها می‌دانیم. ما در عین مخالفت قاطع با هرگونه اقدام نظامی و جنگ و با مقاصد سلطه‌جویانه دولت آمریکا و دیگر قدرت‌های جهانی، مسئول هر پیامدی از این قبیل را در شرایط کنونی، رهبران جمهوری اسلامی می‌دانیم و معتقدیم که اقدامات نیروهای صلح‌دوست و مدافع منافع مردم در وهله اول باید افشا کردن نقش جمهوری اسلامی در تشدید این بحران و تلاش برای عقب‌نشاندن رژیم از مواضع کنونی آن باشد. در شرایط حاکم، راه حل دیپلماتیک و سیاسی بحران اتمی و جلوگیری از تشدید تحریم و جنگ، مستلزم:

- احترام به مقوله نامه‌ها، پیمان‌ها و موازین بین‌المللی که ایران هم از جمله امضاکنندگان آنها است.

- پایان دادن به سیاست تنش با مجامع بین‌المللی، پذیرفتن تعلیق غنی‌سازی اورانیوم، همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ادامه مذاکرات با گروه (۵+۱) و آغاز مذاکره رسمی و علنی با دولت آمریکا بر اساس عرف بین‌المللی.

- پایان دادن به بحران‌سازی در مناسبات خارجی، عدم پشتیبانی از جریانات مذهبی افراطی و عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها و ایجاد رابطه با تمامی کشورهای جهان برپایه منافع متقابل.

- دفاع از برقراری صلح عادلانه و پایدار در خاورمیانه براساس قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد تشکیل دو دولت اسرائیل و فلسطین، به رسمیت شناختن حق موجودیت اسرائیل و مخالفت با اشغالگری‌های آن، پشتیبانی از تشکیل دولت مستقل فلسطین و مشارکت فعال در کوشش جمعی برای خاورمیانه‌سازی از تسلیحات اتمی است.

۷- ما از فشار سیاسی به جمهوری اسلامی برای توقف سرکوبگری‌ها و رعایت حقوق و آزادی‌های مردم از طریق مجامع بین‌المللی، تحریم تسلیحاتی آن و همچنین از تحریم سپاه پاسداران رژیم استقبال می‌کنیم و مخالف هرگونه مداخله نظامی یا تحریم اقتصادی کشورمان هستیم.

ما معتقدیم دموکراسی در ایران نه از طریق ورود تفنگداران قدرت‌های خارجی، تنها با اراده و عزم ملت ایران مستقر خواهد شد. ما خواستار پشتیبانی نهادها و جنبش‌های مترقی بین‌المللی از جنبش جاری و از مبارزات مردم ایران در راه دموکراسی بوده و هیچ قدرتی را جایگزین اراده ملت ایران نمی‌دانیم.

اهمیت بالایی برخوردار است که تأمین آن، طبیعتاً تغییر در قانون اساسی موجود را نیز ضروری می‌سازد و بدون تأمین آن نیز بسیاری از آزادیها و حقوق مورد مطالبه توده‌ها بی‌پاسخ می‌ماند. همچنین منع و کنار گذاشتن پاسداران و نظامیان از دخالت در امور سیاسی، فرهنگی، قضائی، اجتماعی و اقتصادی، از جمله خواسته‌هایی است که در جهت تداوم جنبش حائز اهمیت بسیار است. خواست انتخابات آزاد و تأمین شرایط ضروری آن؛ اگر چه در چارچوب نظام حاکم عملاً امکان تحقق ندارد، اما با توجه به تجربه عینی مردم در جنبش اعتراضی بعد از ۲۲ خرداد در کسب آگاهی و شناخت واقعی نسبت به واقعیت «انتخابات» در این رژیم و اهمیت انتخابات آزاد در ابراز و اعمال اراده شهروندان، آن را به عنوان یکی از شعارهای مشترک و مهم جنبش مردم مطرح می‌سازد.

ج- در عصر جهانی شدن و شرایط عینی و ذهنی جهان کنونی، «انتخابات آزاد» می‌تواند یکی از راه‌های گذار باشد.

از این روی پیشنهاد من برای شعارهای مرحله کنونی چنین است:  
- انتخابات آزاد با حق کاندیدا شدن همه ایرانیان و براساس معیارهای شناخته شده جهانی.

- به رفراندوم گذاشتن «جمهوری اسلامی».

مرداد ماه ۱۳۸۹

اوت ۲۰۱۰

## قرارها

### قرار شماره ۱

«کنگره نهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران به خاطر اهمیت سرنوشت سازی که برای وحدت چپ قائل است، ضمن تأیید مجدد مصوبه کنگره هشتم در باره وحدت چپ، بر تسریع امر وحدت و گسترش گفتگو در سطح تشکیلات سه جریان: سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران و سازمان ما و افرادی که در این چارچوب قرار دارند، تأکید دارد و کمیته مرکزی منتخب کنگره نهم را موظف می‌نماید که همکاری های لازم را در تمامی زمینه ها در دستور قرار دهد. موضع گیری مشترک، همکاری بین گروههای کار جریانات، برگزاری سمینارها در سطح اعضا و تشکیل جلسات مشترک از این جمله اند»

### قرار شماره ۲

کنگره به کمیته مرکزی منتخب خود ماموریت می‌دهد تا مبتنی بر الویتهای:

۱- نظر کارشناسانه حول سند سازمان ملل پیرامون حقوق اقلیتهای ملی، قومی، ... را تدوین کند و به کنگره آتی ارائه کند.

۲- گفتگو برای یافتن مناسبترین شکل حکومتی که مطالبات ملی و دمکراتیک ملیتهای ساکن ایران را تأمین سازد، با مشارکت همه نیروهای سیاسی دمکرات سازمان دهد.\*

\*در کار سازماندهی این گفتگو، باور به عدم تمرکز در ساختار قدرت و لزوم رفع ستم ملی مبناست.



دانشجویان، در این میان، بسیار مهم و چشمگیر بوده است. در میان اقشار و طبقات اجتماعی هم، تا کنون اقشار متوسط مدرن شهری نقش برجسته‌ای در این جنبش داشته است.

تنوع گرایش ها و مطالبات نیز در این جنبش کاملاً نمایان است. بخشی از این جنبش که وزن بالایی دارد، خواستار نفی کامل استبداد مذهبی حاکم و استقرار نظامی دموکراتیک و لائیک است. بخشی دیگر از آن در پی انجام اصلاحاتی در چارچوب جمهوری اسلامی است. خواست آزادی ها، حقوق مدنی و سیاسی و حق حاکمیت مردم فصل مشترک خواست های اکثر افراد و گرایش های حاضر در جنبش همگانی است.

روند جنبش همگانی در یک سال گذشته با فراز و نشیب هایی همراه بوده است. بعد از گسترش و رشد سریع این جنبش تا مقطع تظاهرات بزرگ روز عاشورا (۶ دی)، در ماه های اخیر رکودی نسبی بر جنبش عارض شده است. ولی این به معنی توقف جنبش نیست. حرکت های اعتراضی به مناسبت های گوناگون در برخی شهرها و مناطق از جمله در کردستان، بیانگر تداوم این جنبش است. همان طور که زمینه و عوامل عمده بروز و برآمد آن نیز همچنان برجاست.

ضمن توافق روی ارزیابی فوق از جنبش اعتراضی، در برخورد با عنوان «جنبش سبز»، دو نظر متفاوت وجود دارد:

الف - جنبش اعتراضی اخیر که به عنوان جنبش سبز شناخته می‌شود، یک جنبش گسترده از نیروهای مخالف استبداد در کشور است. این جنبش نتیجه و ادامه جنبش های پیش از خود، در دوران سی ساله حیات جمهوری اسلامی است؛ بازتاب مقابله میان جامعه مدنی و قدرت دولتی بر سر حقوق شهروندی، مدنی، سیاسی و اجتماعی است. پیش درآمد آن، جنبش مطالبه محوری و حضور جنبش های اجتماعی در صحنه جامعه، به خصوص در دو دهه اخیر است.

ب - در برخورد به نقش و موقعیت اصلاح طلبان حکومتی و نیروهای «ملی مذهبی» همراه آن ها و یا آن بخش از جنبش اعتراضی که «جنبش سبز» نامیده می‌شود، ما ضمن تأکید بر حداکثر تلاش برای حفظ نیروها و گرایش های گوناگون درون جنبش، دنباله روی از اصلاح طلبان حکومتی را موجب انحراف و شکست این جنبش می‌دانیم و بر لزوم شکل گیری کانون ها، نهادها و ائتلاف های مستقل از حکومت و همه جناح های آن، در درون جنبش عمومی جاری و در ارتباط با جنبش های اجتماعی و صنفی تأکید می‌کنیم.

### ۲- در رابطه با شعارها

الف - اعمال حق حاکمیت ملت و زمینی و پاسخگو کردن قدرت به شهروندان، هدف مقدم و آماج ملی ماست. بسیج همه نیروها و جنبش های مدنی برای تغییر وضعیت کنونی سرلوحه کار ماست. شرط موفقیت گذار به دمکراسی، حضور همه نیروهای ذینفع در آن است. آماج ملی با بسیج فراگیر ملی به دست خواهد آمد.

انتخابات آزاد به عنوان یک خواست مشروع و ملی در راس برنامه عمل ما قرار دارد. مخاطب این شعار عقلانیت همه آحاد ملت، دعوت به پذیرش قضاوت رای مردم در تعیین سرنوشت جامعه است. لازمه برگزاری انتخابات آزاد تأمین پیش شرط های آن، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات و رسانه ها، آزادی عقیده و بیان و آزادی فعالیت احزاب مخالف نظام موجود و ابطال تمامی قوانین تبعیض آمیز در این زمینه است.

ب- از نظر ما، برای تحقق خواسته های مشترک مردم در این جنبش، که آزادیها و حقوق دموکراتیک در سر لوحه آنهاست، شعار جدائی دین از دولت از اولویت و

## پیام کنگره نهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران خطاب به مردم ایران

مردم مبارز ایران!  
زنان و مردان آزاده!

شرکت کنندگان در کنگره نهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران بر ایستادگی شما در مقابل حکومت سرکوب و زور، دروغ و تقلب و شکنجه ارج می گذارند. عزم و اراده شما را در تلاش برای رهائی از جهنمی که جمهوری اسلامی طی سی سال گذشته بر کشور ما حاکم نموده است، می ستایند؛ خود را جزئی از این اقیانوس بزرگ جنبش آزادیخواهانه شما می دانند؛ موفقیت شما در به کرسی نشاندن خواست ها و اهدافتان را موفقیت خود، و پیروزی شما بر استبداد و بی حقوقی را پیروزی خود دانسته و در آئینه مبارزات امروز شما برای بنیان جامعه ای آزاد و عاری از ستم و سرکوب و بی حقوقی، تحقق آرزوهای دیرین خود را به عینه می بینند.

کشور ما سالی پر بار اما دشوار را پشت سر گذاشته است. حوادث بعد از انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ سیمای جامعه ما را دگرگون ساخته اند. قدرت عمل و توانائی های جنبش مدنی مردم در تظاهرات وسیع روزهای بعد از انتخابات و در مقابله با تهاجم نیروهای سرکوب دولتی برای همیشه خواب راحت را از چشم حکومتگران ربوده است. گسترش اعتراضات توده ای علیه جمهوری اسلامی، شکاف حاکمیت را عمیق تر کرده است. اقدامات جنون آمیز سردمداران حکومت در سرکوب اعتراضات آرام مردم، ضرب و شتم آزادیخواهان معترض در خیابان ها، کشتار جوانان، بازداشت های گسترده، محاکمات نمایشی، صدور احکام سنگین و حتی اعدام نیز راه به جایی نبرده است؛ بر دفتر قطور جنایات رژیم زندان و شکنجه جمهوری اسلامی، جنایات زندان کهریزک نیز افزوده شده است. مستبدان حاکم فکر می کردند با مسدود کردن راه حضور شما در خیابان ها، آرامش گورستانی را بر این مرز و بوم مستولی خواهند کرد، اما آن ها با همه دستگاه عریض و طویل سرکوبشان هم چنان خود را در محاصره شما می بینند؛ شبانه به خانه های فعالان جنبش های مدنی هجوم می برند، هر کس را به بهانه ای بازداشت می کنند؛ زیر شکنجه می برند؛ فعالان سیاسی را اعدام می کنند، تا بر ترس خود غلبه کنند و تخم یاس و ناامیدی را در جامعه بکارند.

مردم آزاده ایران!

جنبش آزادیخواهانه شما در مقابله با دستبرد آشکار به آراء مردم حتی در یک انتخابات غیردمکراتیک و کنترل شده، نمایش همبستگی بزرگ ملی در حراست از حق آحاد مردم در تعیین سرنوشت جامعه و پاسخ دندان شکنی بر حکومت کودتا و استبداد مذهبی در کل آن بود. در این جنبش بزرگ، همه کسانی که دل در گرو آزادی کشور از

یوغ استبداد داشتند، هر کجا که بودند، دست در دست هم به خیابان ها آمدند و در صفوفی میلیونی از حق کسانی که خواهان شمارش آراء خود بودند، دفاع کردند، در عین حال نشان دادند که دیگر تحمل ادامه حکومت استبداد و بی حقوقی را ندارند. خواهان برچیدن بساط دیکتاتوری مذهبی هستند. طی یک سال گذشته حکومت کودتا با تمام قوا بر آن بوده است که هر گونه امکان تجمع شما مردم را از بین برده و با استقرار نیروهای سرکوب خود در کوچه و خیابان و به صحنه آوردن چماقداران و آدمکشان صدای شما را خفه کند، اما با همه این تقلا ها هر جا که فرصت یافته اید، صدای خود را بلند تر کرده و خواستار بر چیدن بساط حکومت زور و سرکوب و کشتار شده اید. شما طی یک سال گذشته عرصه عمومی جامعه را از انحصار حکومت در آورده اید. جشن ها و راهپیمائی های نمایشی دولتی را به تسخیر خود در آورده اید. کنترل حکومت بر هر تجمعی را از بین برده و سران حکومت را وادار به تعطیلی مراسم رسمی معمول خود کرده اید. حضور شما در همه جا به وسعت تمام ایران و در هر نقطه از جهان که ایرانیان حضور دارند، عرصه را بر حکومت جمهوری اسلامی و عاملان آن تنگ تر نموده است. شرکت کنندگان در کنگره بر اراده مصمم شما در مبارزه برای رهائی از یوغ استبداد مذهبی حاکم درود می فرستند.

زنان مبارز ایران!

ما عزم و اراده شما برای درهم شکستن نظام مبتنی بر تبعیض را می ستائیم. تلاش شما برای دستیابی به حقوق برابر با مردان و برچیدن نابرابری بین انسان ها بر اساس جنسیت را، که در جمهوری اسلامی رسمیت قانونی یافته است، سرمشقی برای همه جنبش های اجتماعی و راهگشای عمومیت یافتن جنبش ضد تبعیض در همه اقشار جامعه ماست. مبارزه برای آزادی پوشش، آزادی انتخاب شغل و راه و روش زندگی و پایان دادن به تبعیضات موجود در نظام جمهوری اسلامی امروز دیگر خواست فقط زنان نیست، در ادامه تلاش های سی سال گذشته، خواست شما می رود به خواست همه مردم ایران تبدیل شود. شرکت کنندگان در کنگره همبستگی عمیق خود را با مبارزات غرور انگیز شما و پشتیبانی خود را از خواست های به حق شما اعلام می دارند.

کارگران، زحمتکشان،

آموزگاران، استادان دانشگاه ها، دانش آموزان، دانشجویان  
روشنفکران، نویسندگان و روزنامه نگاران و هنرمندان....

مبارزات شما در طول سه دهه گذشته برای برخورداری از حق زندگی شایسته و انسانی، برای آزادی های سیاسی، صنفی، مدنی و در استیفای

حقوق از دست رفته مردم، پژواک وسیعی در جامعه یافته است و در طول یک سال گذشته امکان تبدیل شدن به خواست عمومی در یک جنبش فراگیر را یافته است. امروز دیگر برخورداری از حق کار و زندگی متناسب با شان انسان، آزادی تشکل، آزادی اعتراض و اعتصاب، آزادی بیان و عقیده، آزادی مطبوعات و اطلاع رسانی، ... فقط خواست گروه کوچکی از مردم نیست، این خواست ها به خواست هائی همگانی فرا روئیده اند.

شرکت کنندگان در کنگره برای مبارزات کارگران در دفاع از حقوق خود، برای دریافت به موقع دستمزدها، افزایش حقوق متناسب با افزایش هزینه های زندگی و نرخ تورم، برخورداری از حق تشکیل سندیکای مستقل و حق اعتصاب و اعتراض بر شرایط غیر انسانی حاکم بر محیط کار و مقابله با اخراج ها ارج گذاشته و پشتیبانی خود را از این مبارزات اعلام می دارند.

ما هجوم مجدد حکومت جمهوری اسلامی به نظام آموزشی مدارس و دانشگاه ها و نشاندن علوم انسانی بر کرسی اتهام براندازی استبداد، سرکوب اعتراضات معلمان به وضعیت حاکم بر آموزش و پرورش کشور و زندانی کردن و شکنجه آن ها، اخراج و بازنشسته کردن اساتید دانشگاه ها، بازداشت گسترده فعالان دانشجویی، اخراج و ستاره دار کردن گسترده دانشجویان معترض را محکوم می کنیم و خواستار گردن نهادن به خواست های معلمان، به رسمیت شناختن استقلال دانشگاه، پایان دادن به اخراج اساتید و بازنشسته کردن اجباری آن ها و آزادی بی قید و شرط همه دانشجویان بازداشت شده و لغو احکام اخراج و محرومیت آنان از تحصیل هستیم.

ما تعطیلی مطبوعات و روزنامه ها، بازداشت خبرنگاران و دست اندرکاران مطبوعات، فیلترینگ سایت ها، تشدید سانسور بر چاپ کتاب، تولید فیلم و هنرهای نمایشی کشور را محکوم می کنیم و خواستار برچیدن بساط سانسور و سرکوب و آزادی روزنامه نگاران و نویسندگان زندانی هستیم و همبستگی خود را با مبارزات حق طلبانه آنان، اعلام می داریم.

فعالان جنبش های ملی ایران

شرکت کنندگان کنگره پشتیبانی خود را از خواست های حق طلبانه و حقوق دموکراتیک ملیت های ایرانی و همبستگی خود را با مبارزات آن ها در استیفای این خواست ها اعلام می دارند. جمهوری اسلامی در طول سی سال گذشته تنها ارمغانی که برای ملیت های ساکن ایران داشته است، ادامه و تشدید تبعیضات رژیم گذشته، تحمیل جنگ و سرکوب و استقرار ماشین سرکوب جهنمی خود در مناطق ملی بوده است. طی سال های گذشته تشدید سیاست سرکوب حکومت همواره از سرکوب در مناطق ملی آغاز شده است. جمهوری اسلامی

## گزارش کنگره

بقیه از صفحه ۶

در فاصله مباحث وقتی به نمایندگان احزاب و سازمان ها اختصاص داده شد تا پیام خود را قرائت نمایند. متن این پیام ها به همراه این گزارش برای اطلاع همگان منتشر می شوند. البته نمایندگان احزاب و سازمان ها و دیگر مهمانان از حق برابر با اعضای سازمان، در تمامی موضوعات - به جز انتخابات کمیته مرکزی که در جلسه حضور نداشتند- برخوردار بودند و در کمیسیون ها نیز می توانستند بدون حق رای شرکت داشته باشند.

انتخابات کمیته مرکزی- آخرین موضوع در دستور انتخابات کمیته مرکزی بود. این انتخابات انجام گرفت و کمیته مرکزی انتخاب شد. نزدیک سی در صد ترکیب اعضای کمیته مرکزی را زنان تشکیل می دهند. ۱۴ در صد نیز از اعضائی است که برای اولین بار به کمیته مرکزی راه یافته اند.

\*

جامعه ما در شرایط حساسی قرار دارد و یکی از لحظات تاریخی سرنوشت ساز خود را طی می نماید. در چنین شرایطی، اندیشه های گوناگونی در باره سرنوشت جنبش کنونی شکل گرفته و شکفته شده است. این شکوفائی در سازمان ما نیز بازتاب یافته است. همگی ما، اعضا و کادر ها و رهبری سازمان، از این شرایط متأثریم. در چنین شرایط و اوضاع و احوالی است که کنگره نهم ما برگزار شد. کنگره سازمان تمام تلاش خود را به کار بست تا بتواند برای مسائل فراروی خود پاسخ های مناسبی بیابد. شدت و حدت گفتگو ها پیش از برگزاری کنگره، که بعضا به تندی می گرائید، در واقع انعکاس شرایط جامعه بود، در درون نا آرام و بیقرار ما. کنگره ما هر چند نتوانست به تمامی مسائل پاسخ دهد، اما موفق شد سازمان را به پیش راند و برای پاسخ به مسائل پیچیده آتی، آماده نماید. در قطعنامه سیاسی سازمان، چهره آزادیخواهانه سازمان تا حد زیادی منعکس شده است. کنگره ضمن تصویب سیاست های مشترک، بر اختلافات چشم فرو نسبت و به کمیته مرکزی منتخب وظیفه داد تا مباحث را حول مسائل مورد اختلاف سازماندهی کند با این امید که بتوانیم در آینده با تامل و بررسی کافی نسبت به آن ها تصمیم گیری کنیم. در باره وحدت تصمیماتی رو به پیش گرفت. کنگره سازمان ما، عزم سازمان را در اتخاذ موضعی مستقل، مسئولانه و دموکراتیک به نمایش گذاشت. شاید بدین خاطر بود که شرکت کنندگان در کنگره با تنی خسته اما با دنیائی از امید و آرزو برای تغییر، محل کنگره را ترک نمودند.

کوتاهی هزاران نفر از پر شورترین فرزندان مردم قتل عام شده اند.

شرکت کنندگان در کنگره کشتار هزاران زندانی سیاسی در زندان های جمهوری اسلامی را جنایت علیه بشریت می دانند و خواستار بازداشت و محاکمه آمران و عاملان این کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ هستند.

ما همدردی و همبستگی خود را با خانواده های داغدار و بازماندگان قربانیان رژیم شکنجه و کشتار جمهوری اسلامی اعلام می داریم و از اقدامات آن ها در دادخواهی عزیزانشان حمایت می کنیم.

مردم آزاده ایران!

کنگره ما در زمانی برگزار می شود که کشور ما با بحران سیاسی و اقتصادی بی سابقه ای مواجه است. از یک سو اقتصاد کشور بر اثر سیاست های دولت احمدی نژاد فلج شده است و از سوی دیگر تشدید تحریم های بین المللی علیه جمهوری اسلامی، تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد، کشور ما را در موقعیت ویژه ای قرار داده است. حکومت جمهوری اسلامی با ادامه سیاست های تنش زای خود در عرصه بین المللی بحران بر سر برنامه اتمی را تشدید نموده است، اجماع جدیدی علیه خود را دامن زده است و خطر حمله نظامی به کشور را افزایش داده است.

از طرف دیگر، دولت جمهوری اسلامی در فکر حذف یارانه های دولتی از مایحتاج عمومی مردم و توزیع این یارانه ها در میان بخش هائی از جامعه و تبدیل آن ها به نان خور حکومت و ارتش ذخیره خود در اقدامات سرکوبگرانه اش هست. این همه در حالی است که تشدید تحریم های اقتصادی بسیاری از موسسات تولیدی را در آستانه تعطیلی قرار داده است و توقف سرمایه گذاری ها به خصوص طی یک سال گذشته و چنگ انداختن هر چه بیشتر سپاه پاسداران و نیروهای امنیتی و نظامی برشریان های اقتصادی کشور بحران اقتصادی کشور را دامنه بیشتری بخشیده است. نرخ تورم و بیکاری افزایش دو رقمی داشته است. حقوق و دستمزد بخور و نمیر کارگران نیز با ماه ها تاخیر پرداخت می شود....

ما خواستار پایان دادن به سیاست خارجی تنش زای جمهوری اسلامی، حل بحران بر سر پروژه هسته ای و لغو تحریم های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل متحد هستیم که بار گران آن ها نه بر دوش حکومت، بلکه بر گرده اقشار کم درآمد جامعه از کارگران و زحمتکشان، معلمان و دیگر مزد و حقوق بگیران سنگینی می کند.

شرکت کنندگان در کنگره از حق همگان در برخورداری از کار و حداقل درآمد و برخورداری از زندگی مناسب شان انسان برای همه شهروندان کشور دفاع می کنند و در مبارزه برای بنیان چنین آینده ای دست همه مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی را می فشارند.

کنگره نهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران  
مرداد ماه ۱۳۸۹

طی سی سال گذشته فعالان سیاسی کرد، بلوچ، عرب و ... به جوخه اعدام سپرده است که آخرین نمونه آن اعدام فرزند کمانگر معلم آزاده کرد و چهار تن دیگر در زندان اوین بوده است. این جنایت با واکنش همه ایرانیان مواجه گشت و اعتصاب عمومی مردم کردستان را در پی داشت.

ما پشتیبانی خود را از مبارزات شما برای کسب حقوق ملی خود اعلام می داریم و در مبارزه برای دستیابی به خواست های به حق شما در تمامی عرصه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی همگام و همراه و در کنار شما هستیم.

پیروان مذاهب و ادیان مختلف

شهروندان آزاده ایران

دفاع از آزادی عقیده و اعتقاد یا عدم اعتقاد به دین و مذهب جزو اصول اعتقادی ماست. ما خواستار جدائی دین از حکومت و مخالف رسمیت دادن به یک مذهب و غیر رسمی نمودن مذاهب دیگر هستیم. احترام به مذهب و عقیده افراد و گروه های اجتماعی جزو برنامه ماست. ما مخالف تبعیضات موجود در جمهوری اسلامی و پیگرد باورمندان به مذاهب دیگر هستیم و خواستار به رسمیت شناختن حقوق برابر برای همه شهروندان و احترام به باورهای آن ها، پایان دادن به پیگرد ها و بازداشت ها و محاکمات پیروان ادیان و مذاهب دیگر از طرف جمهوری اسلامی به خصوص شهروندان بهائی کشور هستیم که بیش از همه اقلیت های مذهبی دیگر مورد ستم، آزار و سرکوب حکومت قرار دارند و از حقوق مسلم شهروندی خود به خاطر اعتقاداتشان محروم هستند.

شرکت کنندگان در کنگره در تلاش رسیدن به جامعه ای هستند که در آن همه از حقوق برابر برخوردارند و هیچ کس به خاطر مذهب، عقیده و یا مرام خود مورد اذیت و آزار قرار نمی گیرد. در مبارزه برای رسیدن به چنین آینده ای دست همه شهروندان آزاده کشور را می فشاریم.

زندانیان سیاسی دربند

خانواده های داغدار زندانیان سیاسی اعدام شده در زندان های جمهوری اسلامی  
باز ماندگان کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی در سال ۶۷

شرکت کنندگان در کنگره همبستگی خود را با شما زندانیان سیاسی و خانواده هایتان اعلام می دارند. ما پشتیبانی خود را از خواست های زندانیان اعتصابی در زندان اوین اعلام می داریم و خواستار آزادی بدون قید و شرط بازداشت شدگان یک ساله اخیر و همه زندانیان سیاسی هستیم.

ما یاد تمامی جانبازان راه آزادی و عدالت اجتماعی را گرمی می داریم و هرگز فراموش نمی کنیم چه جان های شایسته ای که در زندان های جمهوری اسلامی بر دار شده اند و یا به جوخه اعدام سپرده شده اند. تنها در سال ۶۷ در عرض مدت

## پیام‌های احزاب و سازمان‌های سیاسی به نهمین کنگره

### پیام حزب دمکرات کردستان ایران

به کنگره نهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران دوستان گرامی کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران حزب دمکرات کردستان ایران، ضمن ابراز صمیمانه ترین درودها به شما و از طریق شما به همه اعضاء و نمایندگان شرکت کننده، برای کارهای کنگره تان آرزوی موفقیت و اتخاذ تصمیمات پربر بار، مبتنی بر واقعیت جامعه کثیرالمله کشور استبداد زده مان می نماید. لطفاً تبریکات صمیمانه ما را به همین مناسبت پذیرا باشید. دوستان گرامی!

کنگره شما در حالی برگزار میگردد که کشورمان با وضعیتی حساس و بحرانی در سطح ملی و بین المللی روبروست. فقر، فساد گسترده و بی قانونی و حاکمیت قانون جنگل بر تمام شئون زندگی روزمره مردم حد و مرزی نمی شناسد. از نظر بین المللی نیز سیاست عدم تمکین رژیم به مصوبات جامعه جهانی و اصرار بر ادامه غنی سازی اورانیوم جهت دست یابی به سلاح هسته ای و بحران آفرینی در منطقه، رژیم را در انزوایی کم نظیر قرار داده و می رود که کشورمان را با تهدیدات جدی و نتایج فاجعه بار و غیرقابل پیش بینی مواجه سازد.

در چنین اوضاع سیاسی حساسی که برای ایران پیش آمده و بعد از ۳۱ سال مبارزات و فداکاریهای آزادیخواهان کشور علیه استبداد حاکم، هنوز انسجام و اتحادی در میان سازمان های سیاسی دمکرات مشاهده نمی شود. پراکندگی و عدم همگرایی در میان نیروهای ترقیخواه جامعه، به ویژه در خارج از کشور، به جایی رسیده که در این واپسین زمان فروپاشی رژیم، گروهی بنام اصلاح طلب در اندیشه رنگ و لعاب نمودن رژیم پوسیده جمهوری اسلامی و بقول خود در صدد روی ریل انداختن رژیم از ریل خارج شده برآمده اند تا به رژیمی که می رود از نفس بیافتد، جانی تازه بخشند و به این ترتیب دهه های متمادی دیگری بتوانند با زور سرنیزه و رجعت رژیم به دوران طلائی! خمینی برگردند مردم سوار

شوند و دور تازه ای از کشتار و ویرانی را بر علیه اقشار و طبقات حق طلب و آزادیخواه جامعه از جمله ملیتهای تحت ستم، زنان، روزنامه نویسان و بطور کلی همه فعالان سیاسی آغاز نمایند.

این واقعیات ایجاب مینماید که کنگره نهم شما در ارائه راهکارهایی که مدد رسان همگرایی سازمانها، گروهها و شخصیتهای دمکرات و آزادیخواهی که استبداد را در هر شکل و پوششی مردود دانسته و بر بنیان حکومت آینده ایران بر اساس جدائی دین از سیاست پافشاری مینماید، کوشا باشد، از طرف دیگر با توجه به این واقعیت که اکثریت جمعیت ایران را ملیتهای غیرفارس تشکیل می دهند، تأکید کردن بر شکل گیری سیستمی فدرال دمکرات که در آن همه ملیتهای ایرانی را صرفنظر از هر ایده و زبان و فرهنگی که دارند بتوانند در چارچوب ایران، مناطق ملی خویش را خود اداره نمایند و به این ترتیب با گذاشتن نقطه پایانی بر تمرکزگرایی که یکی از مهمترین عوامل تبعیض و نارضائی مردم ایران شده است، راهگشای آینده ای بهتر برای ملیتهای تحت ستم ایران باشد.

در همین راستا "گروه کار فدرالیسم" سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران چندی پیش سندی را تحت عنوان "مدخلی بر بحث فدرالیسم" به منظور مورد بحث قرار دادن آن در کنگره منتشر نمود که به نظر ما در صورت تصویب می تواند مدخل قابل بحث و بررسی مناسبی برای سایر سازمانهای دمکرات و مساوات طلب نیز باشد. از آنجائی که محتوای این سند در برگیرنده بسیاری از خواستههای ملی مردم کرد و احتمالاً سایر ملیتهای ایران می باشد، ما امیدواریم که این سند بعد از بحثهای لازم در کنگره به تصویب برسد. رفقای گرامی!

حزب ما و سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران سالیانی است که به عنوان دو جریان دوست، براساس احترام متقابل در رابطه با نقاط اشتراکمان همکاری و همیاری داشته ایم، هر چند این همکاریها خود مفید و گاهاً موجبات جلب همکاری برخی دیگر از سازمانهای سیاسی را نیز فراهم کرده اند، ولی ما خواستار همکاریهای بیشتر به ویژه در زمینه

کار مشترک به منظور جلب مجموعه ای دیگر از سازمانهای دمکرات و آزادیخواه در راستای ایجاد اتحاد یا پلاتفرمی مشترک هستیم. در این زمینه و برای همه برنامه های کار کنگره تان آرزوی پیروزی داریم.

حزب دمکرات کردستان ایران  
دفتر سیاسی ۱۳۸۹/۰۴/۲۹

\*\*\*\*\*

### پیام حزب کومه‌له کردستان ایران

به کنگره سازمان اتحاد فدائیان ایران

رفقای عزیز کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان ایران!

با درود به شما و اعضا و شرکت کنندگان و مهمانان کنگره تان، اجازه می خواهم از طرف کمیته ی مرکزی کومه‌له برای همه ی شما سلامتی و سرافرازی و برای کنگره تان موفقیت چشمگیر آرزوی کنم.

رفقا کنگره ی شما در شرایطی برگزار میگردد که بیش از یکسال از آغاز جنبش نوین و شکوهمند دمکراسی خواهی در ایران میگذرد، جنبشی که پایه های نظام جمهوری اسلامی را بشدت لرزاند و افکار عمومی جهانیان، سازمانها و نهادهای بین المللی و انسان دوست و حتی بسیاری از دولتها را علیه جنایتهای ضد بشری رژیم بطور بیسابقه ای برانگیخت. این جنبش، از یک اعتراض صرفاً انتخاباتی به جنبش نوین و عظیمی علیه دیکتاتوری و ولایت فقیه و جنبش ملیونی توده های برای به چالش کشیدن و فروریزی و پایان بخشیدن به حاکمیت سیاه و دینی جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

البته ما و شما به درست همراه با سایر مبارزان راه آزادی و دمکراسی قاطعانه از این جنبش ملیونی پشتیبانی نموده و بنوبه ی خود در ارتقای اهداف و مطالبات و شیوه های مبارزاتیش کوشیدیم. اما این تنها گوشه ای از مبارزه ی مشترک ماست و ما سالهاست دوشادوش هم و تعدادی از دیگر تشکلهای سیاسی برای بوجود آوردن چتری که بتواند

های درخشانتر از همکاری و همسوئی امید میبندد.

با آرزوی اشتراک بینش و اتحاد عمل هرچه فراگیرتر اپوزیسیون دمکراتیک و کثرتگرا، صمیمانه ترین آرزوهای ما برای موفقیت کنگره نهم سازمانتان را بپذیرید.

حزب دمکرات کردستان

دفتر سیاسی

کویسنجق (کردستان عراق)، ۳ ژوئیه ۲۰۱۰

\*\*\*\*\*

## پیام شورای عالی جبهه ملی ایران - اروپا

به نهمین کنگره سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران هم میهنان گرامی،

برگزاری نهمین کنگره سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران را به همه اعضای حاضر در کنگره و سازمان شما تبریک می‌گوییم و موفقیت این کنگره را از صمیم قلب آرزو می‌کنیم.

پنج ماه پیش هنگامیکه نماینده سازمان شما در کنگره ما در شهر لیدن هلند حاضر شد و پیام شما را قرائت کرد، نخستین گام یک همکاری برداشته شد که زمینه آنرا مبارزات آزادی- و دموکراسی خواهانه مردم ایران از ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ نهاده است. این مبارزه خوشبختانه هنوز در اشکال گوناگون ادامه دارد و ما امیدواریم که ضرورت دفاع از خواستهای دمکراتیک مبارزات آزادی خواهانه جنبش سبز مردم ایران در راستای اعمال حاکمیت ملت بر بستر جدائی نهاد دین از دولت و حکومت و منشور جهانی حقوق بشر، روزبروز همبستگی ملی ایرانیان، چه در درون و چه در برون از مرزهای ایران را بیشتر و مستحکمتر کند.

دوستان عزیز،

۶۱ سال پیش جبهه ملی ایران با قصد دفاع از اهداف انقلاب مشروطیت ایران که عبارت از قانونمداری، انتخابات آزاد، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات و احزاب و درواقع

رویکردهای همخوان با مقتضیات آتی مبارزه دمکراسی طلبی در کشورمان می‌افزاید.

جای بسی خوشحالی است که با وجود سرکوب وسیع و دژخیمانانه رژیم، خیزش تازه مردم ایران نه فقط از پا نیافتاده، بلکه همبستگی، درک متقابل و در نهایت همسوئی بین آزادیخواهان داخل و خارج کشور توسعه و تعمیق یافته است. خوشبختانه از بدایت این جنبش تا کنون که کمی بیش از یک سال میگذرد، آزادیخواهان ایران اعم از اقشار اجتماعی و تمایلات سیاسی مختلف، به گونه ای دوفاکتو به یک سری دیدگاه و رویکردهای مشترک در زمینه های چگونگی رویارویی با هسته استبداد اسلامی و در رابطه با مبانی کلی سیستم سیاسی آینده ایران دست یافته اند.

با اینهمه باید به کاستی ها و مشکلاتی هم که متاسفانه هنوز جنبش حق طلبانه مردم ایران از آن رنج میبرد، اعتراف کرد. از یک طرف چه بدلائل تاریخی و ارزشی و چه بعلت اختلاف بر سر مناسبترین گزینه های مبارزاتی در وضعیت کنونی، نیروهای آزادیخواه ایران هنوز پراکنده هستند و پلاتفرم سیاسی مشترک و چهارچوب نهادی مشخصی که دمکراتهای خارج و داخل کشور را دور هم جمع کند و یا بهم وصل کند، هنوز به چشم نمیخورد. از طرف دیگر و در رابطه با خیزش اخیر مردم و پیامدهای مبارزاتی آن، هنوز به بخش مهمی ازسوالات چه در رابطه با مرزبندیهای عمومی روند کنونی و چه مخصوصاً در مورد انتظارات اقشار وسیعی از جامعه ایران پاسخ مطلوب داده نشده است. برای مثال می توان به حقوق ملیتهای ایران و بطور کل موضوع همزیستی در ایران فردا اشاره کرد که آنچنان که باید مورد اجماع و توافق نخبگان سیاسی داخل و خارج کشور واقع نشده است. تردیدی نداریم که کنگره شما فرصت مناسبی برای تجزیه و تحلیل این مسائل و تعیین راهکارهای مربوطه، بالاخص در راستای درنظرگرفتن هرچه بیشتر حقوق ملیتها و آرمان فدرالیزاسیون ایران از طرف نخبگان آزادیخواه ایران خواهد بود.

حزب دمکرات کردستان با گذشته طولانی و غنی ای که از دوستی و هم‌رزمی با سازمان شما دارد، سازمان اتحاد فدائیان خلق را همچنان در زمره جریانات بسیار نزدیک خود تلقی میکند و بنا به تجربه ای که با این سازمان در تقاهم و همگامی دارد به آینده

طیفهای گوناگون دمکرات و آزادیخواه و عدالتخواه را در بر گرفته و به یک آلترناتیو حکومتی تبدیل شود، تلاش میکنیم. سازمان شما از بدو تشکیل خود تا کنون از مبارزه‌ی توده‌های محروم و زحمتکش، از حقوق انسانی و پایداری شده‌ی ملیتهای ساکن ایران و برابری حقوق زنان و مردان پشتیبانی نموده‌است و به‌همین دلایل ساده کنگره‌ی شما و موفقیت آن برای ما دارای اهمیت ویژه‌ای میباشد.

رفقا! ما موفقیت شما را موفقیت خود میدانیم، و موفقیت همه‌ی ما در توان و نیرومندی ماست. باقی ماندن جمهوری اسلامی نه از قدرتمندی و توان آن بلکه از ضعف و پراکندگی ماست. ما با وحدت مبارزه‌مان علیه‌جمهوری اسلامی نیرومند میشویم، پس دراین راه برتلاشهایمان بیفزائیم. بازهم برایتان آرزوی موفقیت مینمایم

\*\*\*\*\*

## پیام دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان

بمناسبت نهمین کنگره سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

رفقای گرامی در شورای رهبری سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران!

با سلام و احترام، از جانب رهبری حزب دمکرات کردستان، برگزاری نهمین کنگره سازمان اتحاد فدائیان را از صمیم قلب به همگی شما تبریک عرض می‌گوییم.

برگزاری کنگره یا کنفرانس در روند درون سازمانی یک جریان سیاسی، درعین دلالت از پابندی سازمان به مبانی دمکراتیک، برای بررسی گذشته کار و تحلیل اوضاع فعلی و مشخص ساختن وظایف و راهکارهای پیش رو هم حائز اهمیت میباشد. و اما خودتان هم بر این واقعیت واقف هستید که اهمیت کنگره نهم سازمان شما بطور مشخص در زمان برگزاری آن نهفته است که مصادف است با مرحله جدید و کم نظیر مبارزه مردم ایران برای دستیابی به آزادی و دمکراسی. بدیهی است که شرایط سیاسی حساس و سرنوشت سازی که کنگره شما در آن برگزاری میشود، به وظایف شما عزیزان در زمینه ارائه تحلیل مناسبی از وضعیت روز و اتخاذ تصمیمات و

## پیام شورای موقت

## سوسیالیست‌های چپ ایران

به کنگره‌ی نهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

رفقای گرامی!

شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران دروهای گرم خود را به مناسبت برگزاری نهمین کنگره‌ی سازمان ابراز می‌دارد و برای شما در تصمیم‌گیری، تدوین برنامه و سیاست‌های آتی و در پاسخ به مسایل و وظایف پیش‌روی و تحکیم وحدت درونی موفقیت هر چه بیش‌تر آرزو دارد.

رفقای عزیز!

کنگره‌ی شما در شرایطی برگزار می‌گردد که آثار و نتایج خیزش بزرگ مردم در روزهای پس از خرداد ۸۸، با وجود گذشت بیش از یک سال هم چنان تعیین کننده‌ی فعل و انفعالات سیاسی و مسیر تحولات جامعه است.

تشدید سرکوب، گسترش دامنه‌ی ارباب، دستگیری‌ها، شکنجه و اعدام، ناتوانی کامل رژیم را در پایان دادن به بحران و خروج از بن بست، نشان داده است. این سیاست در عین حال به مردم نشان داد که جمهوری اسلامی در برابر تنگناها و مشکلات بزرگ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فشارهای ناشی از پی‌آمدهای مجازات‌های اقتصادی که اکثریت عظیم مردم ما و به ویژه قشرها و طبقات پائین و میانی جامعه قربانی اصلی آنند، راه حل و پاسخی جز گسترش فشار و بحران سازی در داخل و خارج از کشور ندارد. این‌ها مشاهدات و تجربه‌های روزمره‌ی مردم است که نه تنها رویدادهای یک سال اخیر، بلکه تاریخ و پیشینه‌ی سی‌ساله‌ی گواه آن است.

با توجه به این حقایق، به ویژه آزمون یک سال اخیر و جنایت‌های رژیم در پاسخ به خواست‌های ابتدایی مردم، ایجاد توهم کوتاه آمدن مافیای نظامی-مالی و تامین حتا بخشی از حقوق و آزادی‌های مردم یا کشاندن جنبش به سراب اصلاحات و تغییرات در درون نظام و توسط آن، چیزی جز کشاندن مردم به کوره راه‌های نافرجام نیست.

اگر به این حقیقت باور داریم که جمهوری اسلامی و ساختارها و قانون اساسی آن با ضرورت‌های دمکراسی و الزامات جامعه‌ی مدنی و دمکراتیک ناسازگار است، باید آن را

اعمال حق حاکمیت ملت بود، به رهبری دکتر محمد مصدق تشکیل شد. تاریخ گواه است که در مدت زمامداری کوتاه دکتر مصدق، جبهه ملی ایران با وفاداری به اصول نامبرده و با شعار "آزادی استقلال، عدالت اجتماعی" برنامه ای را اجرا کرد که ملی کردن صنعت نفت در سراسر ایران، آزادی احزاب و اجتماعات، آزادی تشکیل اتحادیه‌های کارگری، ایجاد بیمه‌های اجتماعی، آزادی مطبوعات و برسمیت شناختن روز اول ماه مه بعنوان روز کارگر فزاینده‌ی چند از تدبیر و سیاست آن دولت بشمار می‌آید.

متاسفانه ایدئولوژی وارداتی چپ سنتی ایران از همسایه شمالی نه تنها شکافی مصنوعی و مضر بین نیروهای ملی که اکثراً سوسیال دمکرات بودند، از یک سو و مبارزین چپ از دیگر سو بوجود آورد و به همبستگی ملی ایران آسیب فراوانی رساند، بلکه عامل و توجیه کننده سیاست ایران ستیزانه روسیه شوروی علیه ایران شد. مصدق به عنوان "نوکر امپریالیسم آمریکا" معرفی شد و منجمله ده‌ها تن طلا که روسیه شوروی به دولت ایران مقروض بود بلافاصله پس از کودتای ۲۸ مرداد به دولت کودتا تحویل داده شد.

دوستان،

خوشبختانه آن دوران سپری شده است و حقایق آشکار. امروز می‌توانیم با اطمینان بگوییم که دیگر نه هر نیروی ملی "بورژوازی ضد کارگر و نوکر امپریالیسم آمریکا" است و نه هر مبارز چپ‌گرایی "وطنفروش" می‌باشد. ما باید در مبارزات ضد استبدادی کنونی به یکدیگر نزدیک شده و با اعلام کاملاً مشخص اهداف مشترکمان از قبیل آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی، نفی و رفع هرگونه تبعیض جنسی، مذهبی و قومی به همبستگی ملی ایرانیان مضمون و محتوی روشنی بدهیم و همواره از آن پاسداری کنیم. آنچه مسلم است، همبستگی ملی زمینه‌ای است که بدون آن هرگز مبارزات ما علیه دولت کودتا و نظام جمهوری اسلامی به سرمنزل مقصود نخواهد رسید.

در آرزوی ایرانی آزاد و دمکرات و به دور از بند و زندان و شکنجه پیروز باشید!

شورای عالی جبهه ملی ایران- اروپا  
۸ مرداد ۱۳۸۹ / سی ام ژوئیه ۲۰۱۰

به روشنی و بدون اما و اگر به مردم بگوییم و به طور شفاف آنان را به ضرورت مبارزه برای گذار از این نظام فرا بخوانیم. باید به طور صریح به مردم بگوییم که تامین حقوق و حاکمیت آن‌ها در این نظام ناممکن است. باید نشان دهیم که تغییر و گذار از این نظام امکان تحقق دارد و آنان خود عامل و نیروی این تغییرند. باید به جای تبلیغ راه حل‌های شکست خورده، دورنمای بدیل جایگزین، دورنمای یک جمهوری دمکراتیک و لائیک را ارایه دهیم و تمامی مساعی لازم را در جهت متحقق ساختن آن بکار گیریم.

مبارزه در این راستا، در شرایط پراکندگی نیروهای آزادی خواه، به ویژه پراکندگی نیروهای چپ، طبعاً نمی‌تواند به نتایج مطلوب بیانجامد. وجود سازمان‌های سیاسی توانا و باورمند به آزادی و حاکمیت مردم و پایبندی به جدایی دین و دولت، از عوامل اساسی و ضروری برای ایجاد تغییر و تحول و پایان دادن به حیات نظام حاکم است. گر چه شماری از سازمان‌ها سال‌هاست بر این امر واقفاند و سازمان شما، ما و چند سازمان دیگر چند سال است، از یک سو در راه ایجاد یک سازمان بزرگ چپ و از سوی دیگر در شکل دادن به اتحاد و همکاری میان گروهی از سازمان‌ها، در تلاش بوده‌ایم و در این راه نیز گام‌هایی قابل ملاحظه برداشته‌ایم، اما متاسفانه به رغم این کوشش‌ها، هنوز نتوانسته‌ایم پروژه‌های مهم و ضروری نام برده را متحقق سازیم.

آن چه به امر ایجاد یک سازمان بزرگ چپ مربوط می‌شود، به نظر می‌رسد که صرف نظر از مشکلات متعدد، ما هنوز برداشت واحدی از این پروژه و چگونگی تحقق آن نداریم.

ما بر آن بوده‌ایم که برای پایان دادن به پراکندگی موجود در جنبش چپ، باید در پی ایجاد سازمانی بود که با مشارکت سازمان‌ها و فعالان چپ علاقمند شکل می‌گیرد. مبانی نظری، راهبردهای سیاسی و ساختارهای سازمانی این تشکل نیز با مشارکت تمامی علاقمندان داوطلب (سازمان‌ها و افراد) و توافق جمعی، تدوین و تعیین می‌گردد. به باور ما، چنین روندی، راه و روندی مناسب برای تحقق وحدت نیروهای چپ، یا حداقل بخش بزرگی از این نیروها بشمار می‌رود. ما با چنین برداشتی در تلاش‌ها و گفتگوهای مشترک سه سازمان شرکت کرده‌ایم. با وجود مشکلات ایجاد شده

در پیشبرد این پروژه، امیدواریم در جریان بحث‌های این کنگره و ادامه‌ی بحث‌ها در نشست‌های بعدی، در راه غلبه بر پراکندگی نیروهای چپ و ایجاد سازمانی که در برگزیده‌ی شمار بزرگی از نیروهای چپ سوسیالیستی باشد، گام‌های مؤثرتری برداریم.

یک بار دیگر برای کنگره‌ی شما موفقیت هر چه بیشتر به ویژه در زمینه‌ی اتخاذ تصمیمات ضروری در این رابطه و همچنین در رابطه با اتحاد و همکاری سازمان‌ها در سطح فعالیت دمکراتیک، آرزو داریم.

کمیته‌ی هماهنگی شورای موقت

سوسیالیست‌های چپ ایران

۹ مرداد ۱۳۸۹ برابر با ۳۰ ژوئیه‌ی ۲۰۱۰

\*\*\*\*\*

## پیام هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

به کنگره نهم سازمان اتحاد فداییان خلق ایران  
رفقای گرامی!

برگزاری نهمین کنگره را به تک تک شما عزیزان گرد آمده در این نشست و همه دستداران اتحاد فداییان خلق ایران صمیمانه شادباش می‌گوئیم. هیات نمایندگی سازمان ما در کنگره نهم، حامل عمیق‌ترین عواطف رفیقانه و آرزوهای نیک یکایک فداییان خلق ایران (اکثریت) نسبت به شما رفقای دیرینه می‌باشد.

یاران!

کنگره نوبتی سازمان شما زمانی برگزار می‌شود که امر جمع بست هم از دستاوردهای گرانبار و هم نارسایی‌های نه چندان اندک جنبش اعتراضی و رهجویی در قبال پوشش، گسترش و ژرفش آن، در دستور روز و پیش‌روی همه ما قرار دارد. ما نیروی‌های چپ و دمکرات‌های سکولار خواهان جدایی دین از دولت که مولفه‌ای اساسی از جنبش اعتراضی هستیم و با همه وجود دغدغه کامیابی‌ها و ناکامی‌های جنبش آزادیخواهانه مردم را داریم، از تصریح این حقیقت حتی یک لحظه هم نباید و نمی‌توانیم باز بیایستیم که: این جنبش، بدون حضور و مشارکت فعال دمکرات‌های سکولار سترون می‌ماند و از

سوی دیگر ما و دیگر مولفه‌های سازنده این جنبش فقط در همکاری با یکدیگر است که می‌توانیم رشد کنیم و اوج بگیریم. همین تعلق خاطر ما به جنبش اعتراضی است که هم حضور نقش آفرین ما در این جنبش و هم وظیفه‌مندی ما را جهت بقا، گسترش و پیشرفت آن ایجاب می‌کند.

از میان وظایف ما در برابر این جنبش، بدون آن که اهمیت دفاع قاطعانه از مطالبات اقشار و گروه‌های اجتماعی را نادیده بگیریم، بی‌گمان مهمترین وظیفه نشان دادن آن راهبردی است که رهگشای هدف دمکراسی باشد. این راهبرد، انتخابات آزاد است. راهبردی که رای همگان را برای مشارکت در حیات سیاسی کشور تامین کرده، گذر از استبداد فقهاتی به هدف دمکراسی را از طریق مسالمت‌آمیز پی می‌گیرد و سامان می‌دهد. یک راهبرد ملی، که پوشی برای همه آن گرایش‌های اجتماعی و سیاسی متنوع در کشور است که بر سر استقرار دمکراسی در ایران با هم به توافق می‌رسند.

رفقای عزیز!

در کشور ما مناسبات سرمایه‌داری بی‌بند و بار در حال گسترش است. دولت، سپاه و بنیادهای متعدد وابسته به حکومت و لایه‌های نوسیده بورژوازی به عنوان بزرگترین کارفرما در کشور به همراه سایر لایه‌های بورژوازی، کارگران و زحمتکشان کشور را به طور وحشیانه استثمار می‌کنند. با تشدید بحران اقتصادی و تعطیلی مداوم واحدهای تولیدی بر میزان لشکر بیکاران افزوده می‌شود. فقر و گرسنگی در بین کارگران و زحمتکشان بیداد می‌کند. فاصله طبقاتی به طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافته و ثروت کشور در دست لایه نازکی از جامعه متمرکز شده است. در حالی که دولت و سپاه به عنوان بزرگترین کارفرما در کشور به ابزار سرکوب مجهز هستند و لایه‌های مختلف بورژوازی سازمان‌های خود را تشکیل داده و از منافع خود دفاع می‌کنند، طبقه کارگر ایران فاقد شکل‌های صنفی بوده و هرگونه حرکت کارگران پیشرو برای تشکیل سندیکا‌های مستقل با سرکوب شدید روبرو می‌شود.

در کشور ما آزادی‌های سیاسی و عدالت اجتماعی گره خورده‌اند. برای تامین آزادی‌ها و استقرار دمکراسی و تامین عدالت اجتماعی، برای دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان، حضور قدرتمند نیروی چپ دمکرات و سوسیالیست امری است ضرور. نیرویی که

شما و ما، به آن تعلق داریم و آزادیخواهی و عدالت طلبی مشخصه ما می‌باشد. واقعیت نیاز به چپی متحد و نیرومند که اکنون با چشم انداز گشوده شده در پرتو جنبش اعتراضی، باز هم بیشتر خصلت روز به خود گرفته و جنبه کاربردی بیش از پیش پیدا کرده است، ما و شما را ملزم می‌سازد که تحقق امر وحدت را بالاتر از هر مصلحت بدانیم. با توجه به این واقعیت، ضروری است تلاش وحدت طلبانه ایی را که آغاز کرده ایم با عزمی تازه، گشاده رویی بیشتر، و رویکردی نافذتر به فرجام برسانیم. راهی که رفقای ما به درستی در صحنه عمل در برابر استبداد حاکم و تقویت اردوی کار پیش گرفته اند. در همین راستا، ما از همین تریبون کنگره شما یاران اعلام می‌داریم که برای آغاز پروژه اجرایی وحدت، شما می‌توانید همچنان روی آمادگی ما برای گره خوردگی دگر باره پاره‌های جدا شده جنبش تاریخی مشترکمان و در خدمت وحدت چپ حساب کنید. و لازم می‌دانیم این نگرانی را هم با شما در میان نهم که وحدت امری نیست که تاخیر در آن فقط عارضه کم ثمری را داشته باشد، خطر آنجاست که به احساس بی‌ثمری در میان شما و ما میدان دهد.

رفقا!

ما به سهم خود از این خرسند هستیم که وحدت چپ همچنان در دستور کار شما و ما قرار دارد. وحدتی که، به اعتقاد ما نیازمند نزدیکی دیدگاه طرفین، اشتراکات در خطوط برنامه‌ای و به ویژه عواطف ضرور برای همراهی‌ها و آمادگی برای همراه شدن‌ها در سیاست روز، است. رفقا، ما، بر هر تلاش در جهت تحقق شرایط لازم برای وحدت چپ تاکید داریم و بر تداوم راه با شما و هر همراهی در این زمینه، یک بار دیگر مهر تایید می‌نهمیم.

رفقای عزیز!

آرزوی ما برای کنگره نهم شما، تصمیم‌گیری‌هایی است ماندگار برای رهجویی‌ها و رهگشایی‌های موثر در راه هدف دمکراسی و عدالت اجتماعی. آرزوی ما، پیروزی شما است. بر رفاقت مان با شما دیگر بار تاکید می‌ورزیم و دستانتان را به گرمی می‌فشاریم.

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فداییان خلق  
ایران (اکثریت)

پنج‌شنبه ۷ مرداد ۱۳۸۹ - ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۰



## ما می توانیم متحد عمل کنیم

### محمد اعظمی

اخیرا در جریان تظاهراتی به مناسبت سالگرد ۲۲ خرداد در پاریس، بین شرکت کنندگان در این حرکت، اختلافاتی بروز کرد که منجر به دخالت پلیس شد. بحث پیرامون این مساله به موضوعی داغ تبدیل شده است. در خارج از فرانسه نیز گفتگوهای مشابهی در جریان است و مبنای و پرنسپ‌های حرکات مشترک، موضوع بحث شده است. هر چند در یکساله اخیر، هم در فرانسه و هم در سایر کشورها، مواردی از کار مشترک و همگانی موفق را تجربه کرده ایم، اما مشکلات و موانع فرا روی این حرکات، کم نبوده است. دلیل موفقیت تعدادی از این حرکات و ناکامی برخی دیگر، در چیست؟ اصول و پرنسپ‌های این حرکات بر چه مبنایی استوار و با چه معیاری قابل اجراست؟ اینها پرسش‌هایی است که دستیابی به پاسخی درست، می تواند بستر و زمینه مثبتی ایجاد نماید، برای فعالیت متحدانه در خارج کشور.

افزون بر این، تا پیش از برآمد جنبش کنونی مردم ایران، درک روشن و مورد توافقی از مبنای کار مشترک در تشکل‌های دموکراتیک، در سطح فعالان سیاسی و حقوق بشری، وجود نداشته است. از اینرو کمتر با حرکات مشترک نیرومندی مواجه گشته ایم. این مجموعه مرا بر آن داشت تا برای گشودن طرح بحثی پیرامون این دو موضوع، نکاتی را بیان کنم. هدفم این است که این ایده‌ها در برخورد با نظرات مختلف تکمیل و اصلاح و یا حتی در صورت لزوم، دگرگون شوند. انتظار دارم که فعالان حرکات اعتراضی با این ایده‌ها با پیش داوری برخورد نکنند. در این بحث نه می خواهم تشکلی را از عرش به زیر کشم و نه در این کارم که جریانی را بر تخت نشانم. قصدم باز کردن گفتگو است، روی موضوعی که تجربه کافی پیرامون آن وجود ندارد. می خواهم برای این مشکل به کمک یکدیگر راه باز کنیم.

### الزامات، موانع و مبنای کار مشترک در تشکل‌های دموکراتیک؟

حضور و فعالیت افراد و جریانات سیاسی کشورمان در تبعید تقریباً به درازی عمر حکومت جمهوری اسلامی رسیده است، اما به رغم این اقامت طولانی و تلاش و مبارزه مستمر آنها، این مجموعه نتوانسته اند

فعالیت خود را، آنگونه که شایسته است، هماهنگ و متحد کنند. هنوز دوباره کاری و چندباره کاری میدان دار است. ما، برای اهداف و وظایفی مشترک، پراکنده عمل می کنیم و در مبارزه برای دموکراسی به اهمیت نیرو برای عقب نشاندن ارتجاع توجه کافی نشان نمی دهیم. از اینرو تلاش‌های این مجموعه، نتوانسته است چندان اثر امیدوار کننده ای به جا گذارد. در نتیجه کم نیستند افراد با تجربه ای که به بهبودی کار سازمانگرا رسیده اند. عده ای به صورت فردی فعالیت سیاسی خود را پی می گیرند و تعداد دیگر، درحالی که هنوز در درون سازمانها هستند، اما از حرکت و فعالیت بازمانده، چندان اثرگذار نیستند.

این وضع را مجموعه عواملی پدید آورده است. یکی از مهمترین علل آن ناروشتی در مبنای کار مشترک و همگانی، علیه استبداد و برای دموکراسی است. هدف من در بخش اول این نوشته، پرداختن به این موضوع است.

تا پیش از برآمد جنبش کنونی مردم ایران در یکساله گذشته، عملکرد و پراتیک واقعی تشکل‌ها در خارج کشور حول دفاع از حقوق و مطالبات اقشار و طبقات مختلف مردم، زنان و جوانان و اقوام و ملیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی متمرکز بوده است. همزمان اقدامات سرکوبگرانه حکومت را نیز افشاء می کرده اند. این دو وظیفه که در هم تنیده اند، با هدف جلب پشتیبانی نهادها و مجامع دموکراتیک بین‌المللی و دولت‌های خارجی، از مبارزات مردم ایران صورت می گرفته است. اما به این وظایف واقعی در کار مشترک، کمتر توجه می شد و بر اساس آن‌ها، همکاری و اتحادی شکل نمی گرفت. اگر به موضوعات مورد اختلاف فعالان سیاسی در خارج از کشور، در این دوره، توجه کنیم، می بینیم اختلاف آنها کمتر ارتباطی با وظیفه فرا روی این نهادها، داشته است. مختصات حکومت آینده، گذشته جریانات و در موارد اندکی حتی نگرش و جهان بینی‌ها، مبنای کار مشترک برای دفاع از مبارزات مردم ایران قرار می گرفته است. در واقع به همان اندازه که در چارچوب وظایف واقعی اشتراک وجود دارد و اختلافات کم‌رنگ و عموماً قابل چشم پوشی است، برای توافق روی مبنای کار مشترک، اختلافات بسیار زیاد است. چون این مبنای از نیازهای مبارزه مشترک بیرون نیامده است، از مسائلی استنتاج گشته اند که ربطی به مبارزه کنونی آنها ندارد. در این دوره فعالان سیاسی عموماً، برای همکاری و همگامی به اشتراک در وظایف اکتفا نمی کردند، به یگانگی در نظر آنها در تمامی زمینه‌ها، چشم داشتند. از این رو نه تنها امکان اتحاد در چارچوب اشتراک در وظایف به آسانی شکل نمی گرفت، آنجا هم که تحت تاثیر هم اندیشی‌های بسیار زیاد، اتحاد موقتی ایجاد می‌شد،

نمی توانست طولانی مدت دوام آورد. به این دلیل ساده که در جریان حرکت به طور طبیعی همان هم اندیشان دیروز، امروز می توانستند به اختلاف در نظر برسند. از آنجا که سنگ پایه اتحاد درست بنا نشده بود، طولی نمی کشید که هر گرایش و نظری، صف جدا کرده به راه خویش می رفت.

آشفته‌گی در مبنای برای کار مشترک در خارج کشور به این انجامید که تشکل‌های دموکراتیک عموماً به وظایف سازمان‌های سیاسی پرداختند و در عمل نه موفق شدند کار خود را انجام دهند و نه وظایف دیگر را به سرانجام رسانند. تعداد تشکل‌های دموکراتیکی که در جایگاه خود مبارزه می کردند چندان زیاد نبود. بیلان کار ما در طی سالها اقامت در این دیار امیدوار کننده نبوده است. این تشکل‌ها به جای اینکه وظایف واقعی را مبنای کار کنند، برای حضور و یا عدم حضور نیروها برنامه ریزی می کردند. در مجموع به جای آغوش گشودن برای کار مشترک، تهدید و برنامه ریزی برای جلوگیری از ورود نیروها مبنای می شد. در کمتر منشوری است که مرزبندی با این و یا آن جریان، در گوشه‌ای از آن گنجانده نشده باشد.

نتیجه کار نهادهای دموکراتیک و تشکل‌های سیاسی در جریان برآمد جنبش کنونی مردم ایران، به این انجامید که به شکل شایسته ای نتوانستند در محیط خارج کشور با نیروهائی که تازه وارد میدان شده بودند، درهم آمیزند. در مواردی که مبارزه این دو به همدیگر وصل نشد، نیروهای تازه نفس به آسانی آنها را با همه سوابق و تجاربشان به حاشیه راندند.

با این توضیحات و با درس آموزی از تجاربمان در این سی سال، فکر می کنم که ضروری است در هر کشور تشکل دموکراتیک واحدی ایجاد شود. وظیفه این تشکل‌ها که به طور کلی برای آزادی و دموکراسی مبارزه می کنند، در اساس دفاعی است. دفاع از مبارزات مردم ایران. دفاع از خواست جنبش‌های مختلف: جنبش زنان، جوانان، کارگران، روشنفکران، اقوام و ملیت‌ها، زندانیان و...

این نهادها از زاویه پذیرش دموکراسی و میثاق‌های جهانی حقوق بشر و دفاع از حقوق مردم ایران، با قدرت حاکم درگیر شده و افشاگری می کنند نه بالعکس. اتخاذ خط مشی سیاسی در قبال قدرت حاکم و طرح برنامه آلترناتیو در برابر آن، وظیفه جریانات سیاسی است، که امر حکومت جایگزین را در دستور دارند و برای آن مبارزه می کنند. برای روشن شدن بحث، موضوعی نظیر انتخابات در ایران که هم تشکل‌های دموکراتیک و هم سازمان‌های سیاسی می توانند پیرامون آن، اظهار نظر کنند، نمونه مناسبی است. تشکل‌های دموکراتیک اگر بخواهند در چارچوب وظیفه خود عمل کنند، لازم است که انتخابات را از زاویه دموکراتیک و آزاد بودن و یا نبودن آن، مورد توجه قرار دهند. در حالی که سازمان

شوند و ثالثاً اهمیت دارد با حسن نیت و انعطاف با بروز مشکلات برخورد شود. یعنی عمل این یا آن شرکت کننده به حساب یک جمع و یک گرایش نوشته نشود. در حالی هم که اشتباهی از جانب این یا آن گرایش رخ داد، تنها راه، گفتگو و باز هم گفتگوست. فراموش نکنیم اگر این حکومت ناسازگار با زمانه توانسته است بر ما حکومت کند، یکی از دلایل اش، عمل و رفتار وحدت‌گریز ماست. در واقع یکی از ستون‌های اصلی عمود خیمه این نظام، بر روی شکاف درونی مخالفان بنا شده است.

در ارتباط با مبنا قرار دادن اشتراکات و نمایش تفاوت‌ها، فکر می‌کنم هر کس و جریانی که در اینگونه اقدامات شرکت می‌کند، باید در درجه نخست بازتاب دهنده سیاست‌های مشترک باشد. شاید بهتر است توصیه شود که نمایش تفاوت‌ها را پس از قانونمند کردن آن انجام دهیم. برای قانونمند کردن تفاوت‌ها چند نکته به نظر می‌گفتنی است: در یک حرکت همگانی بهتر است از همه گرایشات شرکت‌کننده در حرکت، که چارچوب اشتراکات را می‌پذیرند خواسته شود شعارها و تاکیداتشان را مطابق ضوابطی که توسط هیئت مسئولان تنظیم می‌شود، تهیه کنند. تصریح شود که توزیع اعلامیه و تراکت و اوراق تبلیغی در این مراسم‌ها، آزاد است. اعلام شود که در بلندگو فقط شعارهای مشترک داده خواهد شد. در جلو صف فقط پرچم ایران و پلاکاردهای پارچه‌ای حاوی شعار مشترک قرار خواهد گرفت. حمل پرچم و یا پلاکاردهای پارچه‌ای که تفاوت‌ها در آنها انعکاس دارد، فقط در آخر صف قابل قبول است.

برای بیان موانع و نارسائی‌ها، ناگزیرم روی مشکلاتی که در پاریس میان فعالان سیاسی بروز کرده است، متمرکز شوم. میدانم برخی از این مشکلات و بحث‌ها در سایر کشورها نیز عیناً وجود دارد. امیدوارم در این زمینه سایر دوستان نیز مسائل خود را با تکیه بر تجاربی که در عمل کسب کرده‌اند، منتشر کنند، تا امکان دستیابی به یک جمع‌بندی فراهم گردد.

در اقداماتی که تاکنون انجام شده است، برخی شکل‌ها اصل "تکیه بر اشتراکات و نمایش تفاوت‌ها" را نادرست می‌دانند. استدلال آنها این است که نمایش این یا آن تفاوت را قبول ندارند. برای نمونه پرچمی را که توسط سلطنت طلبان به نمایش گذاشته می‌شود، نمی‌پذیرند. احزاب اروپائی را هم شاهد می‌آورند که مثلاً حرکت با برخی جریانات راست را بر نمی‌تابند. در واقع سخن آنها این است که حق ماست که با یک جریان حرکت کنیم یا حرکت نکنیم. حق داریم زمانی که مسئولیت یک راهپیمائی را به عهده داریم، ضوابط برای آن را خود مشخص کنیم.

آزادی‌های سیاسی مبارزه می‌کنند، در عین حال جمهوری اسلامی را هم قبول دارند و دوم جریانات سکولاری که برای دموکراسی در مبارزه علیه استبداد شرکت می‌کنند و جمهوری اسلامی را هم نمی‌خواهند. این دو نیرو، دو پایه اصلی و دو عنصر کلیدی سازنده‌ی جنبش کنونی‌اند. هر حرکت مشترکی علیه استبداد اگر به پرنسپ‌های اصلی این دو توجه نکند از جنبش مردم در داخل کشور فاصله می‌گیرد و به تضعیف آن می‌انجامد. از اینرو الزامی است که شعارها و مطالباتی مبنای حرکت عمومی-جنبشی- قرار گیرند که با پرنسپ‌های این دو نیرو مغایر نباشد. بنابراین، یکی از مبانی این حرکات جنبشی در خارج کشور دفاع از مطالبات جنبش‌های اجتماعی و مبارزه با قدرت نفوذکننده آنهاست. شعارهایی که کنار زدن جمهوری اسلامی را طرح کنند، فعلاً نمی‌تواند به عنوان مبنا و پرنسپ در این حرکات جنبشی (که بسیج وسیع نیروهای ضد استبداد را در مرکز توجه خود قرار داده است)، به عنوان شعار مشترک طرح شوند. حال در چنین صورتی همه کسان و جریاناتی که مبارزه برای طرح این مطالبات را به سود برنامه و سیاست خود می‌دانند، دلیلی ندارد با این حرکات همراه نشوند.

اما این تنها یک عنصر پایه‌ای از مبانی ما برای مشارکت در حرکات اعتراضی است. ستون دیگری که به عنوان یک پرنسپ دموکراتیک باید مورد توجه قرار گیرد امکان نمایش تفاوت‌هاست، به شکلی که اولاً این تفاوت‌ها اساس حرکت و شعارها و خواسته‌های مشترک را زیر سؤال نبرد یعنی در حرکتی علیه اعدام، نمی‌توان شعار "اعدام باید گردد" طرح شود ثانیاً نمایش این تفاوت‌ها نباید شعارهای حرکت مشترک را زیر سایه و تحت الشعاع قرار دهد. در واقع تفاوت‌ها اگر بیش از توان و وزن شان منعکس شوند، غیردموکراتیک و غیرقابل قبول خواهد شد.

به نظر من مهمترین و ظریف‌ترین بخش این سیاست، عملی و اجرایی کردن نمایش تفاوت‌هاست. فکر می‌کنم امروز افراد و جریانات مختلف امکان توافق روی اشتراکات را دارند، اما نمایش تفاوت‌ها، نکته ظریفی است که اجرا کردنش بسیار پیچیده و دشوار خواهد بود. دستیابی به راه حل برای این موضوع پیچیده اولاً به گفتگو نیازمند است. اهمیت دارد که گفتگو به صورت اجلاس‌های حضوری، جلسات پالتاکی در سطوح مختلف (در سطح یک شهر یا کشور و یا کل خارج کشور)، به منظور تبادل نظر و راه‌یابی، سازماندهی شود ثانیاً این سیاست باید به محک عمل و تجربه درآید و در جریان عمل، دائم نواقص آن برطرف شود. شاید نیازی به تاکید نباشد نظراتی که بعضاً روشن می‌نماید، در عمل با مسائل جدید و غیر قابل پیش‌بینی روبرو گشته که نیازمند تدقیق می

های سیاسی در این حد متوقف نمی‌شوند، از این فراتر رفته، نظر خود را برای شرکت در آن یا تحریم آن و یا حالت‌های دیگر، بیان می‌نمایند. مثال دیگر سرکوب مردم و تبعیض در کردستان و یا بلوچستان را در نظر بگیرید. تشکل دموکراتیک این سرکوب‌ها را افشا و محکوم می‌کند، از حقوق و خواسته‌های دموکراتیک مردم و رفع تبعیض، به طور کلی دفاع می‌کند، اما وظیفه ارائه طرح مشخص برای رفع تبعیض و تحقق مطالبات ملی و قومی و اینکه این مطالبات در چه نوع حکومتی قابل تحقق است، از چارچوب وظایف تشکل‌های دموکراتیک و مدافع حقوق بشر خارج است.

از این توضیحات من یکی از وظایف مهم در محیط خارج را، تلاش برای شکل دادن به یک نهاد دموکراتیک در هر کشور به جای تشکل‌های متعدد دموکراتیک کنونی می‌دانم. امروز تعداد این تشکل‌های بی‌رقم در برخی از شهرها در یک زمینه مشخص نظیر دفاع از حقوق زندانیان بیش از یکی است. ممکن است تلاش برای شکل‌گیری یک تشکل دموکراتیک در یک شهر ممکن نشود. در این حالت بسیار اهمیت دارد که این تشکل‌ها فعالیت خود را هماهنگ نمایند. اگر در مناطقی وجود بیش از یک تشکل دموکراتیک قابل فهم باشد اما عدم هماهنگی در جاهائی که وظایف مشترک می‌شود، قابل درک نبوده و نیست.

خلاصه اینکه وظایف تشکل عمومی و دموکراتیک دفاع از مبارزات مردم ایران است. طرح خط مشی سیاسی در قبال حکومت و مختصات برنامه‌ای یک الترناتیو دموکراتیک نباید مبنای وظایف برای این تشکل‌ها قرار گیرد. این وظایف که بسیار هم مهم هستند به عهده سازمان‌ها و احزاب و جبهه‌های سیاسی است، که امر حکومت جایگزین را در برنامه دارند.

### مبانی کار مشترک برای اقدامات اعتراضی و مطالباتی؟

در شرایط کنونی که جنبش مردم ایران، امید به استقرار دموکراسی را در دل‌ها زنده کرده است، تقویت این جنبش در خارج از کشور به یکی از وظایف مهم فعالان و جریانات سیاسی تبدیل شده است. این وظیفه در صورتی می‌تواند با گذشت زمان نیرومندتر عملی شود، که این فعالیت‌ها، با مبانی و معیارهای دموکراتیکی انجام شوند. باید توجه داشت که مبانی و پرنسپ‌هایی که تشکل‌ها بر پایه آنها شکل می‌گیرند، الزاماً بر پرنسپ‌ها و مبانی یک حرکت اعتراضی عمومی، انطباق ندارند. جنبش کنونی مردم ایران دو نیروی اصلی دارد. یکی اصلاح طلبانی که با استبداد کنونی-دستگاه ولایت فقیه- از زایه دفاع از برخی خواسته‌های مردم و جنبه‌هایی از

در مراسم روبرو نبوده‌ایم. کسانی که به پلیس مراجعه می‌کنند توجه ندارند که مراجعه به پلیس آخرین راه حل است، آن هم فقط در شرایطی که گروهی عزم به برهم زدن مراسم جزم کنند و گفتگو هم اثری نداشته باشد. در چنین حالتی مراجعه به پلیس قابل فهم است. اما زمانی که تعدادی از شرکت کنندگان قصد برهم زدن را نداشته باشند راه حل فقط گفتگوست. حتی اگر این افراد مجاب هم نشوند، اتفاق عجیبی رخ نخواهد داد. آنان چنان در جمع ایزوله خواهند شد که تکرار اینگونه اقدامات برایشان دشوار خواهد شد.

چهارشنبه ۲ تیر ۱۳۸۹ - برابر ۲۳ ژوئن ۲۰۱۰

## پیام همبستگی کنگره نهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران به زندانیان اعتصابی زندان اوین

کنگره نهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران به شما زندانیان سیاسی زندان اوین، که به خاطر رفتارهای غیرانسانی زندانبانان دست به اعتصاب غذا زده اید درود می‌فرستد. مطلع شدیم که شما را از بند ۳۵۰ زندان اوین به انفرادی منتقل کرده اند و خانواده های شما را نیز تهدید کرده اند که در صورت عدم رسیدگی به خواسته های تان، در پشتیبانی از شما، دست به اعتصاب غذا خواهند زد.

از سوی دیگر بنابه نوشته روزنامه کیهان جمهوری اسلامی ۶ تن از زندانیان سیاسی به اعدام محکوم شده و حکم یکی از آنان برای اجرا به ارگانهای مربوطه ارسال شده است. دلیل صدور این احکام قرون وسطائی، اتهام هواداری از سازمان مجاهدین خلق و مشارکت در جنبش اعتراضی اخیر ذکر شده است.

کنگره نهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران ضمن همبستگی با زندانیان سیاسی و خانواده آنها، این رفتار وحشیانه با زندانیان و صدور احکام اعدام را محکوم دانسته از همه احزاب و سازمانهای سیاسی، نهادها و مجامع دمکراتیک و حقوق بشری می‌خواهد که برای حمایت از خواست زندانیان و لغو اجرای احکام اعدام ۶ تن از آنان از تمامی امکانات خویش بهره گیرند. آزادی زندانیان سیاسی و لغو حکم اعدام خواستی است که با مبارزه متحدانه علیه استبداد حاکم دست یافتنی است. ما تلاش برای دستیابی به این خواست ها را وظیفه خود می‌دانیم.

کنگره نهم سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

است که خود را جزئی از جنبش مردم می‌دانند. دلیلی ندارد یک جریان خود را صاحب آن بدانند. نظیر چنین برخوردهای غلطی را، فعالان جنبش های اجتماعی ما در گذشته زیاد داشته اند. همین چند سال پیش در جنبش دانشجویی در داخل کشور نمونه هایی از این رفتار نسنجیده دیده شد. در ۱۶ آذر، روز دانشجو، جریانات مختلف جداگانه این روز را گرامی داشتند. چپ ها، تحکیم وحدت و .. هر کدام به تنهایی مراسم برگزار کردند. البته مورد تهاجم حکومت هم قرار گرفته و سرکوب شدند. اشاره ام به این تجربه از ایروست که بگویم، در روز دانشجو، باید همه دانشجویانی که برای آزادی فکر و اندیشه، و برای امکان دستیابی آزادانه به اطلاعات و دانش و علم مبارزه می‌کنند، می‌بایست دست در دست هم پیش روند. ۱۶ آذر روز دانشجوست که با شعار "اتحاد، مبارزه و پیروزی" شناخته شده است، نباید مرکز نمایش تفاوت‌ها شود.

در سالگرد ۲۲ خرداد نیز هیچ دلیلی برای جدا حرکت کردن وجود نداشت. زمانی که جریانی نظیر کمیته ضد سرکوب به تنهایی فراخوان به راهپیمایی می‌دهد بقیه جریانات را با مشکل مواجه مینماید. اگر در این فراخوان شرکت کنند، که شرکت هم کردند، حرکت به آنها تحمیل شده است. اگر صف دیگری راه می‌انداختند، صف جداگانه توجیهی نداشت. یعنی هر دو حالت، برایشان نامطلوب است. پس خشت اول را دوستان ما کج نهادند. شکی نیست که برگزاری سالگرد ۲۲ خرداد و دعوت به تظاهرات و راهپیمایی، حق این دوستان بوده است، اما ایراد آنها استفاده غیردموکراتیک از این حق است. در همین روز ۲۲ خرداد در برخی از کشورهای دیگر چون اتریش و آلمان تلاش شده بود همه با هم ۲۲ خرداد را برگزار کنند و موفق هم عمل کرده بودند. این دوستان باید بگویند به چه دلیل در کشوری مثل فرانسه برگزاری آن به شکل جمعی خطاست؟ مواردی مثل حرکت نکردن حزب کمونیست با جریانات راست مثال درستی نیست. چون نه راست می‌خواهد با حزب کمونیست حرکت کند و نه حزب کمونیست می‌خواهد با آنان کار مشترک کند. به این دلیل ساده که نقطه اشتراکی با هم ندارند.

مساله دیگری که اخیرا توسط دوستان کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی-پاریس به کار گرفته می‌شود، مراجعه به پلیس است. این شیوه که در میان فعالان دموکراتیک تاکنون سابقه نداشته است، مشکلاتی ایجاد کرده و مناسبات را کدر نموده و پرسش‌انگیز شده است. این اقدام نیز باز نباید از زاویه حق و حقوق ارزیابی شود. این عمل چنان دافعه‌ای ایجاد کرده است که اصل موضوع در ابهام قرار گرفته است. خصوصا در پاریس در مواردی پای پلیس به میان کشیده شده است، که اساسا با اخلاقی

این حکم که دعوت کننده مثلا یک راهپیمایی حق دارد ضوابطی برای آن تعیین کند، زیر سؤال نیست. سؤال این است که کدام ضابطه مثبت و دموکراتیک و کدام منفی و سکتاریستی است. بحث این است که برای یک تظاهرات که دفاع از جنبش مردم در داخل کشور را هدف خود قرار می‌دهد به نیروهایی که هدف مشترک را می‌پذیرند، باید امکان نمایش تفاوت ها را داد یا نمایش تفاوت ها، ممنوع است. اگر جنبش مردم در داخل کشور رنگارنگ است، چگونه باید این رنگارنگی را در صفوفمان در خارج کشور به نمایش بگذاریم. بحث حقوقی اینجا فرعی است. چگونگی استفاده از این حق اهمیت دارد. ما در سال های گذشته، زمانی که با این یا آن جریان حرکت مشترک کرده و یا دیگری را تحریم می نمودیم، بدون شک حق داشته ایم و از حق خود استفاده می کرده ایم. اما استفاده نادرست از حق، خود ما و جنبش ما را تضعیف نمود. امروز ما نمی‌خواهیم یاران و دوستانمان در یک تشکلی نظیر کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی-پاریس از حق خود غلط استفاده کنند. آنان حق دارند، اما ما هم وظیفه داریم نگذاریم آنان تضعیف شوند، چون تضعیف آنان را تضعیف خود و تضعیف جنبش مردم می‌دانیم. برای ما رها کردن این یاران شاید آسان ترین راه باشد، اما ما خود به اختیار، به چنین انتخابی دست نمی‌زنیم. چون راه دستیابی به دموکراسی و مبارزه با استبداد کنونی را دشوار می‌دانیم. ما زمانی که در روزهای نخست سال پیش، بیشترین نیرویمان با هم بود، باز کمر استبداد را نتوانستیم بشکنیم. طبیعی است برای زمین گر کردن استبداد و استقرار دموکراسی، به نیروی وسیعتری نیازمندیم. نابخردانه است که در این شرایط صف از هم جدا کنیم.

برای بیان مشکل، من چگونگی برگزاری سالگرد ۲۲ خرداد را در پاریس، به عنوان نمونه، برمی‌گزینم. از نظر من سالگرد بیست و دوم خرداد می‌بایست توسط تمامی آنهایی که پشتیبان جنبش مردم ایران هستند، گرفته می‌شد. در پاریس برخی از دوستان ما با این استدلال که ۲۲ خرداد "سالگرد شکل گیری و تولد تشکل ما است" یا با هر استدلال دیگری، از برگزاری مشترک سالگرد این روز طفره رفتند. این فکر و این رفتار هر چند در دیگر کشورها یکسان ظاهر نشده است، قابل قبول نیست. به این دلیل ساده که غیردموکراتیک است. اساسا اهداف و وظایف، ترکیب نیرو را تعیین می‌کنند. منطقا در هر حرکت، تمامی جریانات و افرادی که آن را قبول دارند موظف اند با هم و همراه هم، اقدام کنند. اگر چنین نکنند غیرطبیعی و پرسش برانگیز خواهد بود. تنها زمانی مجازیم که در مبارزه تنها حرکت کنیم که اهداف و سیاست های مختص خود داشته باشیم. سالگرد بیست و دوم خرداد مربوط به همه کسانی

# پیرامون فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی

جریان های سیاسی امضا کننده این بیانیه، ضمن گرامیداشت یاد هزاران مرد و زنی که ۲۳ سال پیش در چنین روزهایی تنها به خاطر عقاید خویش یا وابستگی خود به اپوزیسیون به دستور مستقیم خمینی رهبر جمهوری اسلامی ایران کشته شدند، برآند برای جلوگیری از فاجعه‌ای مانند کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران در تابستان ۱۳۶۷ و اعدام های پیش از آن، دست در دست هم هر آنچه در توان دارند انجام دهند.

رویدادهای تاریخی برای هر کشوری میراثی به جای می‌گذارند. آنان که امروز در ایران ادعای آزادی و عدالت دارند، نمی‌توانند به رویدادهای دهه‌های اخیر تاریخ کشور ما و نقش خود بی‌اعتنا باشند و از روشنگری درباره جنایت هایی که از آغاز بنیانگذاری جمهوری اسلامی تا به حال بر مردم رفته است طفره روند و یا در برابر آن سکوت اختیار کنند. مردم، اعتبار سخن امروز هر کس را در هر موقعیتی که باشد، با درسی که او از گذشته گرفته است می‌سنجند. نه از نقد این گذشته می‌توان سر باز زد و نه آن را به فراموشی سپرد.

ما امضاکننده گان این بیانیه، از جمله بر این باوریم که یکی از مهمترین درس های رویدادهای سه دهه اخیر ایران، ضرورت مبارزه برای ایجاد جامعه‌ای است که دولت را در اعمال قهر کنترل و شیوه‌های استبدادی سرکوب دگراندیشان را برای همیشه نفی کند.

زنده ترین، غیرانسانی ترین و فاجعه بارترین این شیوه ها، درهم شکستن شخصیت انسان ها، شکنجه و اعدام است. جمهوری اسلامی، پیشینه سیاه بیش از سه دهه شکنجه و اعدام دهها هزار ایرانی را در پرونده خود دارد. ماشین کشتار جمهوری اسلامی همچنان دگراندیشان در بند را بیرحمانه قربانی می‌کند و برای ارباب مردم، پیوسته تعدادی از زندانیان را به اعدام محکوم می‌کند. یکی از بزرگترین موج اعدام ها در سه دهه اخیر، در تابستان ۱۳۶۷ رخ داد. با استناد به همه اسناد، شواهد و تحقیقات، اکنون دیگر سرسخت‌ترین انکارکنندگان واقعیت قتل عام زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷ نیز نمی‌توانند کتمان کنند که در آن روزها، حکومت ایران، فوج فوج زندانیان بی‌دفاع را تنها به خاطر مخالفتشان با حکومت یا عدم اعتقاد به ایدئولوژی حاکم به کام مرگ فرستاد.

ما ضمن گرامی داشت یاد جان باختگان این جنایت بزرگ در بیست و دومین سالروز آن، برآنیم جلوگیری از امکان تکرار چنین فجایی در گرو تغییر رفتار، اندیشه، قوانین و ساختاری است که با شکنجه و اعدام در پی جذف دگراندیشان و تثبیت قدرت در جامعه است. تا به امروز، نهایت کوشش به کار برده شده تا فاجعه ی قتل عام چند هزار زندانی در سال ۶۷ توسط حکومت اسلامی و بدستور رهبر آن، در پرده بماند و جامعه ی ایران از این جنایت هولناک آگاهی نیابد. ما می‌خواهیم کشور ما از شرایطی برخوردار شود که در آن هیچ حکومتی نتواند به شکنجه و اعدام مخالفان بپردازد. ما برای آن مبارزه می‌کنیم که اندیشه نابود کردن دیگران ریشه کن شود.

ما همه نیروهای سیاسی ایران را به عقد پیمانی فرا می‌خوانیم که هرگز نگذاریم در میهن ما فجایی نظیر فاجعه ۱۳۶۷ و کشتار زندانیان سیاسی تکرار شود. برای جلوگیری از هر نوع فاجعه مشابهی در آینده ایران، باید شکنجه، حکم اعدام و زندان سیاسی محو شود. اکنون که برآمد مردم ایران برای آزادی، یاد قربانیان فاجعه ۶۷ را زنده تر از هر زمان کرده است، بهترین فرصت برای هر چه گسترده تر کردن حلقه چنین پیمانی است. باید ماشین کشتار جمهوری اسلامی ایران را متوقف کنیم و برای جلوگیری از انتقام گیری بیشتر حکومت و اعدام زندانیانی که به گروگان گرفته است، چاره ای بیاندیشیم.

ما پیگیری پرونده کشتار سال ۶۷، روشن شدن همه ابعاد این جنایت تاریخی جمهوری اسلامی و عاملان آن، رسیدگی به دادخواهی قربانیان و بازماندگان جانباختگان را وظیفه خود می‌دانیم و از هر اقدامی که در این راه انجام گیرد پشتیبانی می‌کنیم. در این راستا همدلی و همکاری همه آزادخواهان ایران ضرورت تاریخی است.

اتحاد جمهوریخواهان ایران

حزب دمکرات کردستان ایران

حزب دمکراتیک مردم ایران

حزب کومه‌له کردستان ایران

جبهه ملی ایران - اروپا

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کمیته هماهنگی شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران

شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران

## اتحاد کار

شماره ۱۶۷

مرداد-شهریور ۱۳۸۹

سپتامبر ۲۰۱۰

ETEHADÉ KAR

Septembre 2010

VOL 16. NO. 167

تماس با (وابط عمومی سازمان):  
نامه های خود را به آدرسهای زیر از  
یکی از کشورهای خارج برای ما  
پست کنید.

آدرس سازمان در فرانسه:

AZAMI

116 RUE DE CHARENTON  
75012 PARIS FRANCE

آدرس پست الکترونیکی

[etehadefadaian@wanadoo.fr](mailto:etehadefadaian@wanadoo.fr)

[info@etehadefadaian.org](mailto:info@etehadefadaian.org)

آدرس صفحه سازمان در اینترنت

[www.etehadefadaian.org](http://www.etehadefadaian.org)

فکس ۲۲۴۱۳۱۰۲۱۷ (۴۹)

تلفن ۶۲۰۵۱۴۱۱۲ (۳۳)

بها معادل: ۱/۵ یورو

